



فهرست

..... ۱۵ مقدمه

..... ۱۷ فصل اول ضمایر (PRONOUNS)

..... ۱۷ انواع ضمایر:

..... ۱۸ کاربرد ضمایر فاعلی: Subject pronouns

..... ۲۱ کاربرد ضمایر مفعولی: Object pronouns

..... ۲۳ صفات و ضمایر ملکی POSSESSIVE ADJECTIVES & PRONOUNS

..... ۲۶ ضمایر تأکیدی یا انعکاسی: REFLEXIVE PRONOUNS

..... ۲۷ On the TOEFL® Test

..... ۳۳ فصل دوم افعال (VERBS)

..... ۳۴ زمان افعال

..... ۳۶ زمان حال ساده: Simple Present Tense

..... ۳۶ زمان حال استمراری: Present Continuous Tense

..... ۳۷ زمان گذشته ساده: Simple Past Tense

..... ۳۷ زمان گذشته استمراری: Past Continuous Tense

..... ۳۷ زمان آینده ساده: Future Tense will

..... ۳۸ زمان آینده ساده با be going to

..... ۳۸ Future Tense (to be going to)

..... ۳۸ کاربردها و تفاوت‌های کاربردی: (will) و (to be going to)

..... ۴۰ زمان آینده استمراری: Future Continuous Tense

..... ۴۱ زمان حال کامل: Present Perfect Tense

..... ۴۱ زمان حال کامل استمراری: Present Perfect Continuous Tense

..... ۴۲ زمان گذشته کامل: Past Perfect Tense

..... ۴۳ زمان گذشته کامل استمراری: Past Perfect Continuous Tense

Future Perfect Tense: زمان آینده کامل: ۴۳	۴۳
Future Perfect Continuous Tense: زمان آینده کامل استمراری: ۴۳	۴۳
..... ۴۴	۴۴
..... ۴۷	۴۷
..... ۴۷	۴۷
..... ۴۸	۴۸
..... ۴۸	۴۸
..... ۴۹	۴۹
..... ۴۹	۴۹
..... ۵۰	۵۰
..... ۵۰	۵۰
..... ۵۰	۵۰
..... ۵۰	۵۰
..... ۵۱	۵۱
..... ۵۱	۵۱
..... ۵۱	۵۱
..... ۵۹	۵۹
..... ۵۹	۵۹
..... ۶۶	۶۶
..... ۶۹	۶۹
..... ۷۵	۷۵
..... ۷۷	۷۷
..... ۸۱	۸۱
..... ۸۳	۸۳
..... ۸۴	۸۴
۸۷ ... انواع افعال در زبان انگلیسی:	
..... ۹۰	۹۰
..... ۹۳	۹۳
..... ۹۹	۹۹
..... ۱۰۱	۱۰۱
..... ۱۰۲	۱۰۲
۱۰۳ ... فصل سوم: عبارات (PHRASES)	
..... ۱۰۳	۱۰۳
..... ۱۰۴	۱۰۴

Determiners ۱۰۴
Verb Phrases: عبارات فعلی: ۱۰۵
Infinitive Phrases: عبارات مصدری: ۱۰۵
Gerund Phrases: عبارات اسم مصدری: ۱۰۵
Fixed Prepositional Phrases: عبارات اضافی: ۱۰۶
انواع عبارات اضافی فیکس: ۱۰۶
Fixed Prepositional Phrases: گروه اول: ترکیبات حروف اضافه فیکس: ۱۰۶
Fixed Prepositional Phrase: گروه دوم: ترکیبات اسمی فیکس: ۱۰۸
Fixed Adjective Phrase: گروه سوم: ترکیبات فیکس صفات: ۱۰۹
Fixed Verb Phrase: گروه چهارم: ترکیبات فیکس فعل با حروف اضافه: ۱۱۰
Prepositions of time and place: حروف اضافه مربوط به زمان و مکان: ۱۱۰
Prepositions of Time: حروف اضافه زمان: ۱۱۱
(Prepositions of place): حروف اضافه مکان: ۱۱۲
سایر ترکیبات حروف اضافه مربوط به مکان و زمان و مقدار و کیفیت ۱۱۳
On the TOEFL® Test ۱۱۵
Exercises on Prepositions ۱۲۰
Exercises on prepositional phrases ۱۲۲

۱۲۷... فصل چهارم: جملات (SENTENCES)

(Simple Sentences) تپ اول: جملات ساده: ۱۲۸
(Compound Sentences) تپ دوم: جملات مرکب: ۱۲۸
سایر نکات در خصوص حروف ربط تک کلمه ای ۱۲۹
تفاوت حروف ربط با قید های زمانی: (later, then, next) ۱۳۱
قواعد نقطه گذاری (Punctuations) در کلمات قیدی ربطی ۱۳۳
کاربرد و پانکچوئیشن خاص (Nevertheless) در جملات ۱۳۵
کاربرد و پانکچوئیشن ویژه (However) در جملات ۱۳۶
حروف ربط دو کلمه ای ۱۳۷
Complex Sentences تپ سوم: جملات پیچیده ۱۳۸
On the TOEFL® Test ۱۳۹

۱۴۳... فصل پنجم: تطابق فعل با فاعل (SUBJECT AND VERB)

(AGREEMENT)

قاعده اول ۱۴۳
قاعده دوم ۱۴۶
قاعده سوم ۱۴۸
فاعل مرکب ۱۴۸

- ۱۴۹ قاعده چهارم
 ۱۴۹ کاربرد: (There) به جهت تاکید بر موجودیت یا وجود داشتن
 ۱۵۰ قاعده پنجم
 ۱۵۰ (تاکید بر روی زمان رخداد) It + to be + that
 ۱۵۰ قاعده ششم (مهم):
 ۱۵۰ (تاکید و ارائه اطلاعات درباره صفت)
 ۱۵۱ قاعده هفتم (مهم):
 On the TOEFL® Test ۱۵۹

۱۶۳ ... فصل ششم: (جمله واره ها) (CLAUSES)

- ۱۶۴ انواع جمله واره (کلاز)های تبعی: Types of Subordinate clauses
 ۱۶۵ (جمله واره یا کلاز های اسمی) Noun clauses
 ۱۶۶ کلازهای اسمی که با کلمات پرسشی شروع می شوند
 ۱۷۰ کلازهای اسمی که با کلمات (whether/if) شروع می شوند
 ۱۷۰ کلازهای اسمی که با (that) شروع می شوند
 ۱۸۰ جمله واره یا کلاز های صفتی Adjective clauses
 ۱۸۰ لیست ضمائر موصولی (Who, Whom, Whi ch, That, Whose, Where, When)
 ۱۸۱ تفاوت صفت با کلاز صفتی چیست؟
 ۱۸۱ کارکرد ضمائر موصولی در کلازهای صفتی
 ۱۸۲ بررسی تخصصی انواع کلازهای صفتی
 ۱۸۲ ضمیر موصولی who
 ۱۸۳ ضمیر موصولی whom
 ۱۸۳ ضمیر موصولی which
 ۱۸۴ ضمیر موصولی That
 ۱۸۵ ضمیر موصولی whose
 ۱۸۶ ضمیر موصولی where
 ۱۸۶ ضمیر موصولی whereby
 ۱۸۷ ضمیر موصولی when
 On the TOEFL® Test ۱۸۸
 ۱۹۰ قواعد مختصر سازی کلازهای صفتی Omission of the Relative Pronoun
 ۱۹۰ الف) حذف ضمیر موصولی با نقش فاعلی:
 ۱۹۲ ب) حذف ضمیر موصولی با نقش مفعولی:
 ۱۹۲ ج) حذف ضمیر موصولی (با فعل) مجهول:
 On the TOEFL® Test ۲۰۱
 ۲۰۶ جمله واره های قیدی (Adverb clauses)

۲۰۶ مارکرهای قیدی معروف Adverbial Markers

On the TOEFL® Test ۲۱۱

۲۱۷ شیوه تبدیل: کلازهای قیدی به " کلازهای وصفی "

۲۱۸ کلازها (پارٹیسپل های) وصفی Participle Clauses

On the TOEFL® Test ۲۲۲

۲۲۷ ... فصل هفتم: اسامی (NOUNS)

۲۲۷ A. اسامی قابل شمارش: (Countable Nouns)

۲۲۷ نکات مهم در مورد اسامی قابل شمارش (Countable)

۲۲۹ نکاتی در خصوص جمع بستن اسامی

۲۳۰ B. اسامی غیر قابل شمارش: (Non Countable Nouns)

۲۳۱ نکات مهم و کنکوری

۲۳۲ کاربرد کلمات یا صفات شمارشی همراه با اسامی

۲۳۵ اسامی مرکب (ترکیب دو اسم) Compound Nouns

۲۳۸ ترتیب نوشتن واحد های شمارشی برای اسامی (غیر قابل شمارشی)

۲۳۹ جلوگیری از تکرار اسم با جایگزینی ضمائر: (That),(Those) / (One),(Ones)

On the TOEFL® Test ۲۴۱

۲۵۱ ... فصل هشتم: صفات (ADJECTIVE)

۲۵۱ صفات در زبان انگلیسی

۲۵۱ کاربرد و انواع صفات

۲۵۲ (A) صفات ساده Absolute Adjectives

۲۵۲ (B) صفات تفضیلی Comparative Adjectives

۲۵۳ (C) صفات عالی Superlative Adjectives

۲۵۵ مقایسه و برابری صفات Coordinate adjectives

۲۵۶ (صفات تفضیلی دوبر) The Double Comparative

۲۵۶ (The + Comparative + Subject) , (The + Comparative + Subject)

۲۵۷ صفات و قیدهای بی قاعده

۲۵۹ کلمه first: قید یا صفت ؟

۲۵۹ Adverbs of Frequency قیدهای تکرار

۲۶۱ دو قید زمان ویژه حال کامل: (Recently & lately)

On the TOEFL® Test ۲۶۲

۲۶۷ ... فصل نهم: حروف تعریف (ARTICLES)

- ۲۶۷ حرف تعریف چیست؟
 ۲۶۸ کاربردهای خاص حرف تعریف معین (The)
 On the TOEFL® Test ۲۷۴

۲۷۹ .. فصل دهم: جملات شرطی CONDITIONALS

- ۲۷۹ شرطی نوع صفر Zero Conditional
 ۲۸۱ شرطی نوع اول Type One Conditional
 ۲۸۲ شرطی نوع دوم Type (۲) Conditional
 ۲۸۴ شرطی نوع سوم Type (۳) Conditional
 ۲۸۵ شرطی نوع میکس (ترکیبی) Mixed Conditional
 ۲۸۶ Type (A): I Wish + آینده در گذشته + فاعل ... (Future adverbs)
 ۲۸۷ Type (B): I Wish + گذشته ساده + فاعل (Present adverbs)
 ۲۸۷ Type (C): I Wish + گذشته کامل + فاعل (Past adverbs)
 ۲۸۸ { must / might / should / could (+ have + P.P) + فاعل }
 On the TOEFL® Test ۲۹۰

۲۹۵ .. فصل یازدهم: PARALLEL STRUCTURES

- ۲۹۵ انواع ساختارهای موازی (پارالل):
 On the TOEFL® Test ۲۹۸

۳۰۳ .. فصل دوازدهم: WORD FORMATION

- ۳۰۳ (A) پسوندهای فعل ساز: Verb Suffixes
 ۳۰۴ (B) پسوند های اسم ساز: Noun Suffixes
 ۳۰۴ (C) پسوند های صفت ساز: Adjective Suffixes
 ۳۰۵ (D) پسوندهای قید ساز: Adverb Suffixes
 ۳۰۶ حشو یا تکرار اضافی کلمات: Redundancy
 On the TOEFL® Test ۳۰۷

۳۱۳ .. فصل سیزدهم: WORD ORDER

- ۳۱۳ Part A. Inversion
 ۳۱۶ On the TOEFL® Test
 ۳۲۰ Part B. Other word orders
 ۳۲۳ On the TOEFL® Test
 ۳۲۵ کاربرد ضمایر سه گانه Other / The Other / Another
 ۳۲۶ کاربرد قیود تاییدی Neither , Either , Too , So

- ۳۲۷ تفاوت های سه کلمه Like / Alike / Unlike
 ۳۲۹ شیوه کاربرد افعال گزارشی Reporting Verbs
 ۳۳۱ تفاوت های دو اصطلاح مهم The same as / The same
 On the TOEFL® Test ۳۳۲

۳۳۵ ... فصل چهاردهم: سوالات

- ۳۳۶ دوره اول سوالات گرامر دکتری کلیه رشته‌های وزارت علوم (انسانی، علوم پایه، مهندسی، هنر، دامپزشکی)
 ۳۳۹ دوره دوم سوالات گرامر دکتری کلیه رشته‌های وزارت علوم (انسانی، علوم پایه، مهندسی، هنر، دامپزشکی)
 ۳۴۳ دوره سوم سوالات گرامر دکتری کلیه رشته‌های وزارت علوم (انسانی، علوم پایه، مهندسی، هنر، دامپزشکی)
 ۳۴۷ دوره چهارم سوالات گرامر دکتری کلیه رشته‌ها وزارت علوم (انسانی، علوم پایه، مهندسی، هنر، دامپزشکی)
 ۳۵۱ دوره پنجم سوالات گرامر دکتری کلیه رشته‌های وزارت علوم (انسانی، علوم پایه، مهندسی، هنر، دامپزشکی)
 ۳۵۵ دوره ششم سوالات گرامر دکتری کلیه رشته‌های وزارت علوم (انسانی، علوم پایه، مهندسی، هنر، دامپزشکی)
 ۳۵۹ دوره هفتم سوالات گرامر دکتری کلیه رشته‌های وزارت علوم (انسانی، علوم پایه، مهندسی، هنر، دامپزشکی)
 ۳۶۳ دوره هشتم سوالات گرامر دکتری کلیه رشته‌های وزارت علوم (انسانی، علوم پایه، مهندسی، هنر، دامپزشکی)
 ۳۶۷ دوره نهم سوالات گرامر دکتری کلیه رشته‌های وزارت علوم (انسانی، علوم پایه، مهندسی، هنر، دامپزشکی)
 ۳۷۱ دوره دهم سوالات گرامر دکتری کلیه رشته‌های وزارت علوم (انسانی، علوم پایه، مهندسی، هنر، دامپزشکی)
 ۳۷۵ دوره یازدهم سوالات گرامر دکتری کلیه رشته‌ها وزارت علوم (انسانی، علوم پایه، مهندسی، هنر، دامپزشکی)
 ۳۷۹ دوره اول سوالات گرامر آزمونهای (Mhle, MSRT, MCHE, TOLIMO, EPT)
 ۳۸۷ دوره دوم سوالات گرامر آزمونهای (Mhle, MSRT, MCHE, TOLIMO, EPT)
 ۳۹۴ دوره سوم سوالات گرامر آزمونهای (Mhle, MSRT, MCHE, TOLIMO, EPT)
 ۴۰۱ دوره چهارم سوالات گرامر آزمونهای (Mhle, MSRT, MCHE, TOLIMO, EPT)
 ۴۰۹ دوره پنجم سوالات گرامر آزمونهای (Mhle, MSRT, MCHE, TOLIMO, EPT)
 ۴۱۷ آزمون زبان دکتری وزارت بهداشت ۱۴۰۰ (نوبت اول)
 ۴۲۱ آزمون زبان دکتری وزارت بهداشت ۱۴۰۰ (نوبت دوم)
 ۴۲۵ آزمون زبان دکتری وزارت بهداشت ۱۴۰۰ (نوبت سوم)
 ۴۲۹ آزمون زبان دکتری وزارت بهداشت ۱۴۰۰ (نوبت چهارم)
 ۴۳۳ آزمون زبان دکتری وزارت بهداشت ۱۴۰۰ (نوبت پنجم)
 ۴۳۷ آزمون زبان دکتری وزارت بهداشت ۱۴۰۱ (نوبت اول)
 ۴۴۰ آزمون زبان دکتری وزارت بهداشت ۱۴۰۱ (نوبت دوم)
 ۴۴۳ آزمون زبان دکتری وزارت بهداشت ۱۴۰۱ (نوبت سوم)



به دانش نگر، دور باش از گناه که دانش گرامی تر از تاج و گاه

سپاس ایزد یکتا را که این موهبت را به من ارزانی داشت تا بار دیگر در پرتوی تلاش و کوشش، قدمی از بهر خدمت درراه دانش افزایی بردارم و این تألیف و تحقیق را به انجام رسانم.

کتاب حاضر با متنی جامع و عمیق و درعین حال بسیار دل نشین، روان و پایه ایی، ساختارها و گرامر زبان انگلیسی را به شما دانشجوی عزیز آموزش می دهد. تفاوتی نمی کند که هدف شما کنکور کارشناسی، استخدامی یا دکتری یا آزمون های بسندگی بین المللی زبان مانند تافل و آیلتس و ... باشد، کتاب حاضر به خوبی می تواند پایه های دانش زبانی شما را پله به پله بسازد و با جهش های سریع به درک عمیق و لذت بخشی از زبان انگلیسی برساند.

نکته بسیار مهم: دقت بفرمایید که مباحث گرامری مورد نیاز هر فرد، در چارت انتهایی کتاب مشخص شده است. به طوری که هر داوطلبی فقط با تسلط بر بخش های خاصی از کتاب می تواند به هدف خود برسد. به عنوان مثال: برای داوطلبین دکتری وزارت بهداشت، تسلط به حدوداً ۲۰ درصد از مباحث کتاب کفایت می کند، ولی برای داوطلبین دکتری وزارت علوم حدود ۷۰ درصد و برای داوطلبین ارشد و دکتری رشته های زبان انگلیسی ۱۰۰ درصد کتاب بایستی مطالعه شود.

رضا گلولانی مهاجرنیا





مقدمه

به استثنای زبان ناشنویان که بدون کمک واژگان و فقط بر پایه ژست‌های چهره و حرکات دست خلق شده و در عین حال جلوه‌ای بی‌نظیر از یک زبان کامل و به اصطلاح زبان‌شناسان (full-fledged) را به نمایش می‌گذارد، برقراری ارتباط کلامی یا نوشتاری و بیان منظور در هر زبانی، فقط با کمک واژگان آن زبان میسر است. بنابراین در دل هر زبانی نهایتاً ما به کلمات می‌رسیم که نقطه آغازین شناخت آن زبان خواهد بود.

با قرار گرفتن واژگان در کنار هم، ظریف‌ترین و پیچیده‌ترین افکار و دیدگاه‌ها در همه پهنه‌های زمانی (گذشته، حال و آینده) قابل انتقال می‌گردند و ارتباطات شکل می‌گیرند. انتقال اطلاعات و بیان منظور در سه پهنه زمانی فوق‌الذکر از ویژگی‌های انحصاری زبان نوع بشر است و در هیچ موجود زنده دیگری ارتباطات با چنین ژرفا و گستردگی دیده نمی‌شود. لذا به منظور درک اصول نگارش و ساختارهای زبانی بهترین نقطه شروع آموزش گرامر زبان، آشنایی و شناخت تفاوت بین مفاهیم چهارواژه ذیل است:

- **Word** کلمه
- **Phrase** عبارت
- **Sentence** جمله
- **Clause** شبه‌جمله

کلمات (Words)

هر واژه منفرد در زبان را کلمه می‌گویند. یک کلمه می‌تواند یک فعل، یک ضمیر، حرف تعریف، یک حرف اضافه، حرف ربط، قید، اسم یا یک صفت باشد. به عنوان مثال ضمیر she و یا حرف تعریف the یا فعل go و تمامی موارد مشابه، کلمه نامیده می‌شوند. در فصل اول به بررسی ضمائر و افعال خواهیم پرداخت و در مورد سایر کلمات در فصول مربوط به خودشان مفصلاً آموزش‌های لازم را ارائه خواهیم کرد.

ضمایر (pronouns)

■ ضمایر به زبان بسیار ساده، کلماتی هستند که باهدف نگارشی (زیباتر، رساتر و مختصرتر) جایگزین اسم می‌شوند و از تکرار اسم‌ها جلوگیری می‌کنند. به مثال زیر دقت بفرمایید:

- **Mickel is coming here. Mickel seems very happy.**
- **Mickel is coming here. He seems very happy.**

✓ مایکل دارد میاید اینجا. مایکل خیلی خوشحال به نظر می‌رسد. ● مایکل دارد میاید اینجا، او بسیار خوشحال به نظر می‌رسد.

👉 با توجه به اینکه یک اسم می‌تواند در جایگاه فاعل یا مفعول جمله قرار بگیرد یا با نقش مالکیت در جمله بکار رود، لذا برای هر یک از این نقش‌ها و جایگاه‌ها، ضمایر متفاوتی وجود دارد:

انواع ضمایر:

● Subject pronouns	ضمایر فاعلی
● Object pronouns	ضمایر مفعولی
● Possessive adjectives	صفات ملکی
● Possessive pronouns	ضمایر ملکی
● Reflexive pronouns	ضمایر تأکیدی

انواع ضمائر Types of pronouns

Subject pronoun	Object pronoun	Possessive		Reflexive pronoun
		adjective	pronoun	
I	me	my	mine	myself
you	you	your	yours	yourself
he	him	his	his	himself
she	her	her	hers	herself
it	it	its	its	itself
we	us	our	ours	ourselves
you	you	your	yours	yourselves
they	them	their	theirs	themselves

کاربرد ضمائر فاعلی

❖ Subject pronouns

I, you, he, she, it, we, you, they

قاعده اول: اگر اسم درون جمله در جایگاه فاعل باشد، از ضمیر فاعلی بعنوان جایگزین آن باید استفاده شود.

- The teacher always gives the students homework.

فاعل

مفعول

- She/He always gives them homework.

ضمیر فاعلی

ضمیر مفعولی

✓ معلم همیشه به دانش‌آموزان تکلیف می‌دهد. ● او همیشه به آنها تکلیف می‌دهد.

قاعده دوم: وقتی فاعل دو جمله با هم مقایسه می‌شود، اگر بعد از فاعل دوم فعل بیاید، ضمیر به شکل فاعلی

می‌آید، در غیر اینصورت ضمیر به شکل مفعولی نوشته می‌شود. بعبارت دیگر استفاده از فعل بعد از فاعل

دوم، تعیین‌کننده استفاده نوع ضمیر است. به مثال توجه فرمایید:

● They are more protected against the cold than we are.

● They are more protected against the cold than us.

✓ آنها در مقابل سرما بیشتر حفاظت می‌شوند نسبت به مقداری که ما می‌شویم. ● آنها در مقابل سرما بیشتر از ما حفاظت می‌شوند.

قاعده سوم: در جملاتی که شامل پایه و پیرو هستند (دو جمله که با ضمیر موصولی (موصول) و یا مارکر قیدی،

به هم متصل شده اند فاعل ها باید به شکل ضمیر فاعلی باشند. ⇒ (توضیحات مربوط به ضمائر موصولی و

مارکرهاى قیدی را در فصل ۶ را حتماً مطالعه بفرمایید.)

● They did not know that you and I were close friends.

فاعل موصول فاعل

● He leaves after they return.

فاعل مارکر قیدی

✓ آنها نمی دانستند که من و شما دوستان صمیمی هستیم. ● او بعد از بازگشت آنها می رود.

قاعده چهارم: در ساختار رسمی (formal) ذیل، از ضمیر فاعلی استفاده می‌شود. اما به ندرت و فقط در شکل

گفتاری و در حالت غیر رسمی (Informal) از ضمیر مفعولی هم ممکن است استفاده می‌شود.

● It is he with the bag in hand. (formal)

● It is him with the bag in hand. (informal گفتاری)

● It was they who made the decorations. (formal)

● It was them who made the decorations. (informal گفتاری)

● It was I who always supported you. (formal)

● It was me that always supported you. (informal گفتاری)

✓ آن که کیف در دست دارد او است. ● این آنها بودند که تزئینات را درست کردند. ● آن کسی که همیشه از تو حمایت می‌کرد من بودم.

قاعده پنجم: بعد از کلیه حروف اضافه مانند (than, with, for, of, to, after, on, without, by, ...)

حتماً باید از ضمیر مفعولی استفاده شود. (لیست کامل حروف اضافه در فصل ۴). مثال:

● He is going to the party with us.

● They were preparing the birthday party for her.

✓ او با ما به مهمانی می‌رود. ● آنها داشتند جشن تولد را برای او آماده می‌کردند.

نکته ۱: همانطور که در قاعده دوم بیان شد، استفاده از فعل بعد از فاعل دوم، تعیین کننده استفاده نوع ضمير است. لذا در مثال های ذیل هر دو حالت صحیح بوده و مفهوم یکسان دارند. همچنین، حرف ربط بودن یا حرف اضافه بودن (**as or than**)، بستگی به این دارد که بعد از آنها فاعل به تنهایی بیاید یا فاعل همراه با فعل یعنی به شکل (جمله) بیاید. مثال:

- She is not as tired as **I** am. (as با نقش حرف ربط)
- She is not as tired as **me**. (as با نقش حرف اضافه)
- They are more powerful **than** we are. (than با نقش حرف ربط)
- They are more powerful than **us**. (than با نقش حرف اضافه)
- They paid us more money **than** we needed. (than با نقش حرف ربط)
- Their behavior were more badly than **we** expected. (than با نقش حرف ربط)

- او به اندازه یی خسته نیست که من هستم. (کاربرد رسمی) ● او به اندازه من خسته نیست. (کاربرد غیر رسمی)
- آنها قدرتمند تر از آن چیزی هستند که ما هستیم. (کاربرد رسمی) ● آنها از ما قدرتمندتر هستند. (کاربرد غیر رسمی)
- آنها بیش از آن چیزی که ما نیاز داشتیم به ما پول دادند. ● رفتار آنها بدتر از آن چیزی بود که ما انتظار داشتیم.

نکته ۲: بعد از کلماتی که چند معنایی هستند، یعنی هم معنای حرف اضافی دارند و هم معنای ربطی، در صورت استفاده به صورت حروف اضافه، بعد از آنها باید از ضمير مفعولی استفاه شود. بعنوان مثال اگر (**but**) به معنی "به جز" باشند، حرف اضافه به حساب می آید و بعد از آن باید ضمير مفعولی استفاده کنیم. ولی اگر به معنی "اما" باشد، حرف ربط است و بعد از آن جمله می آید. مثال:

- Everybody went home **but** (except) me. همه رفتند خانه به جز من.
- Everybody went home, **but** Alex stayed there. همه رفتند خانه اما آلكس آنجا ماند.

نکته ۳: بعد از (**than**) با نقش حرف ربط اصولاً جمله به صورت خبری نوشته می شود، اما می توان جمله را به صورت سوالی (اینورت یا معکوس شده) نیز نوشت. مثال:

- She speaks English **better than** her brother does. او بهتر از برادرش انگلیسی صحبت می کند.
- She speaks English **better than** does her brother. او بهتر از برادرش انگلیسی صحبت می کند.
- The new drugs produced **better** results **than** drugs made 10 years ago **did**.
- The new drugs produced **better** results **than** **did** drugs made 10 years ago.

✓ داروهای جدید نتایج بهتری نسبت به داروهایی ساخت ۱۰ سال پیش، ایجاد کردند.

On the TOEFL® Test

1. The young emperor penguin stands in front of one of its parents
A B C
to be protected from the cold.
D
2. Sometimes penguins slide on their stomachs, pushing itself with
A B C
their flippers.
D
3. Under the feathers is a layer of fat that it protects the penguin from
A B C D
the cold.
4. The penguin chicks cannot go into the water to get themselves own
A B
food until they have waterproof coats of feathers like their parents.
C D
5. The narwhal is the only animal in the world that has a tusk on
A B
only one side of its body.
C D
6. Silver is too soft to use by itself, so it is mixed with another metal to
A B C
make themselves harder.
D
7. Most slugs and snails breathe using a lung which opens through a
A B
small hole in the side of its bodies.
C D
8. Every fuel has their own particular temperature at which it begins to
A B C D
burn.
9. Harriet Tubman, she an escaped slave, led more than
A
three hundred slaves to freedom on the Underground Railroad.
B C D

10. Dreaming, like all other mental processes, it is a product
of the brain and its activity.
A B
C D
11. Snails produce a colorless, sticky discharge that forms a protective
carpet under them as their travel along.
A B
C D
12. Enzymes enable the smallest virus to enter cells in order to
reproduce themselves.
A B C
D

• جواب‌های آزمون تافل •

◆ پاسخ سوال ۱: **گزینه (C)**. با توجه به مفهوم جمله، متوجه می‌شویم که به جای ضمیر مفعولی، صفت ملکی (its) باید استفاده شود. دقت نمایید قبل از اسم نمی‌توان از ضمیر مفعولی استفاده کرد. ✓
بچه پنگوئن امپراطور در مقابل والدینش می‌ایستد که از سرما در امان بماند.

◆ پاسخ سوال ۲: **گزینه (C)**. با توجه به مفهوم جمله، می‌توان دریافت که صفت ملکی باید به صورت جمع (themselves) استفاده شود تا با فاعل (penguins) تطابق داشته باشد. ✓
برخی مواقع پنگوئن‌ها روی شکمشان سر می‌خورند و خودشان را با باله‌هایشان به جلو هل می‌دهند.

◆ پاسخ سوال ۳: **گزینه (C)**. جمله فاعل اضافی دارد. نیازی به ضمیر فاعلی (it) نیست. ✓
زیر پرها یک لایه‌ای از چربی هست که پنگوئن را از سرما محافظت می‌کند.

◆ پاسخ سوال ۴: **گزینه (B)**. ضمیر تأکیدی (themselves) به صورت اشتباه استفاده شده و به جای آن باید صفت ملکی (their) باشد. ✓
جوجه‌های پنگوئن نمی‌توانند وارد آب شوند که غذای خودشان را به دست بیاورند تا زمانیکه آنها (نیز) شبیه والدینشان لایه‌های ضد آب از پر دریاورند. ✓
◀ **نکته:** قبل از کلمه (own) از صفات ملکی (my/your/his/her/its/our/their) استفاده می‌کنیم، استفاده از سایر ضمایر قبل از (OWN) غلط است. مثال:

● my own house	خانه خودم
● your own car	ماشین خودت
● her own room	اتاق خودش

◆ پاسخ سوال ۵: **گزینه (D)**. در این جمله مانند سوال اول نباید ضمیر مفعولی (it) قبل از اسم body استفاده شود، بلکه بجای آن باید صفت ملکی (its) باشد. ✓
نهنگ قطبی تنها حیوان در جهان است که یک عاج (نیزه‌ای) در یک طرف بدنش دارد.



افعال (VERBS)

● در فصل اول به اولین زیرمجموعه از کلمات یعنی ضمائر پرداختیم و با نحوه کاربرد آنها در زبان انگلیسی کاملاً آشنا شدیم. در این بخش به دومین زیرمجموعه از کلمات یعنی افعال می پردازیم و با نحوه کاربرد آنها آشنا خواهیم شد.

افعال در زبان انگلیسی به دو دسته تقسیم می شود:

گروه اول که اکثریت افعال زبان انگلیسی یعنی بیش از ۹۹٪ آنها را تشکیل می دهند، افعالی هستند که شکل گذشته و همین طور شکل Past participle (PP) یا اسم مفعول آنها با اضافه شدن یک (ed) ساخته می شود که به آنها افعال باقاعده (Regular Verbs) گفته می شود. برای ساخت شکل گذشته بیش از ۹۹ درصد افعال زبان انگلیسی از این قاعده (ed) استفاده می شود.

منظور از Past participle (PP) همان (اسم مفعول یا شکل سوم فعل) است.

گروه دوم که کمتر از یک درصد از افعال انگلیسی را تشکیل می دهند افعال بی قاعده (Irregular Verbs) هستند، یعنی از قاعده فوق یا (ed) پیروی نمی کنند و شکل گذشته و اسم مفعول آنها بی قاعده است و لذا بایستی حفظ بشوند.

Regular Verbs

Simple Present Tense	Simple Past Tense	Past Participle
walk	walked قدم زد	walked قدم زده
study	studied مطالعه کرد	studied مطالعه کرده
type	typed تایپ کرد	typed تایپ کرده

Irregular Verbs

Simple Present Tense	Simple Past Tense	Past Participle
begin	began شروع کرد	begun شروع کرده
find	found پیدا کرد	found پیدا کرده
eat	ate خورد	ate خورده
break	broke شکست	broken شکسته

توجه: ضروریست که لیست کامل این افعال همراه با ترجمه‌شان را از سایت www.rmohajernia.ir دانلود و حفظ نمایید.

زمان افعال

در خصوص زمان افعال باید دقت بفرمایید که در هر زبانی از جمله انگلیسی سه طیف یا (پهنه) زمانی وجود دارد. **اولین پهنه زمانی**، مربوط به گذشته می باشد که می تواند از گذشته بسیار دور تا مرز زمان حال را شامل شود. **دومین پهنه زمانی**، پهنه زمانی حال است که مربوط به عملکردها، فعالیت ها و کارهایی است که در لحظه کنونی انجام می شود یا در حال انجام شدن هستند و **سومین پهنه زمانی** مربوط به فعالیت ها و افعالی است که در زمان آینده نزدیک یا دور انجام خواهند شد.

● البته در زبان انگلیسی یک پهنه زمانی دیگر هم به نام **پهنه زمانی آینده درگذشته** استفاده می‌شود. در زبان فارسی پهنه زمانی **آینده درگذشته** به صورت مستقل وجود ندارد و زیر مجموعه پهنه زمانی آینده به حساب می‌آید. در خصوص پهنه زمانی آینده درگذشته در فصل‌های بعدی به صورت مجزا و موردی صحبت خواهیم نمود. هر یک از این پهنه‌های زمانی شامل زیر مجموعه‌هایی مشابه هستند، یعنی در هر پهنه زمانی ما **چهار حالت (ساده، استمراری، کامل و کامل استمراری)** را داریم:

حالت فعل				پهنه زمانی فعل
کامل استمراری	کامل	استمراری	ساده	پهنه زمانی مربوط به گذشته
کامل استمراری	کامل	استمراری	ساده	پهنه زمانی مربوط به حال
کامل استمراری	کامل	استمراری	ساده	پهنه زمانی مربوط به آینده
کامل استمراری	کامل	استمراری	ساده	پهنه زمانی مربوط به آینده درگذشته

توجه: (چهار زمان مربوط به پهنه آینده درگذشته طی **فصل دهم** و در **مبحث جملات شرطی** به صورت کامل آموزش داده خواهد شد.)

● در ادامه به بررسی هر یک از این زمانهای فوق خواهیم پرداخت. با توجه به چارت فوق مشخصاً ۱۶ زمان در زبان انگلیسی وجود دارد، که البته تنها ۱۰ زمان از این زمانها پرکاربرد بوده و در آزمون‌های ارشد و دکتری بیشتر مورد بحث و سؤال هستند که در ادامه به آنها اشاره خواهیم نمود. سایر زمانها بیشتر در متون ادبی و تاریخ و ادبیات زبان انگلیسی استفاده می‌شوند.

زمان حال ساده:

❖ Simple Present Tense

(شکل ساده فعل + فاعل) ✎ ساختار زمان حال ساده

I run every morning.	من هر روز صبح میدوم	یک عمل به صورت عادت
The sun rises in the east.	خورشید در شرق طلوع میکند	یک واقعیت یا حقیقت کلی
The ticket office opens at 9.	گیشه بلیط در ساعت 9 باز میشود	زمان تعیین شده فیکس در آینده نزدیک

● البته در صورتیکه بخواهیم از زمان حال ساده برای اشاره به وقایع آینده نزدیک استفاده کنیم، حتماً باید یک عبارت زمانی مربوط به آینده نیز در جمله بکار ببریم (مثل tonight یا ساعت مربوط به جدول زمانی) و این جملات غالباً مربوط به زمانبندی حرکت وسایل نقلیه و یا شروع و خاتمه کنسرتها ، دوره ها ، مراسم و ... است. مثال :

- *The school term starts next week.* ترم مدرسه از هفته آینده شروع می‌شود.
- *The train leaves at 19.45 this evening.* قطار ساعت 19.45 امروز عصر حرکت می‌کند.
- *Lunch is at 12.30. Don't be late.* ناهار ساعت 12.30 است. دیر نکن.
- *We fly to Paris tonight.* امشب به پاریس پرواز می‌کنیم.

زمان حال استمراری:

❖ Present Continuous Tense

(فعل ing دار) + **Gerund** (am / is / are) + فاعل

Mary is watching TV right now.	عملی که هم‌اکنون در حال انجام است
I'm training for the Olympics.	فعالیتی برنامه ریزی شده در آینده نزدیک
I'm going to Sweden next winter.	برنامه ریزی‌های فیکس شده در آینده

- مریم الان دارد تلویزیون نگاه میکند. من دارم برای المپیک تمرین می‌کنم. من دارم زمستان آینده به سوئد می‌روم.

On the TOEFL® Test.

1. The word “olympic” from Olympia in Greece.
(A) comes (B) came
(C) coming (D) has come
2. In A.D. 394, a Roman emperor the Olympic Games.
(A) has abolished (B) abolished
(C) abolishes (D) had abolished
3. The French educator Pierre de Coubertin that the ancient Games be revived.
(A) will propose (B) proposed
(C) were proposed (D) propose
4. The Olympics every four years between 776 B.C. and A.D. 394.
(A) took place (B) have taken place
(C) taken place (D) has taken place
5. By 1790, rice an important crop in the South.
(A) being (B) has been
(C) was (D) was being
6. Weavers are social birds that complex nests housing hundreds of families.
(A) build (B) are built
(C) are building (D) built
7. The American dancer Maria Tallchief first prominent in Europe.
(A) to become (B) become
(C) has become (D) became
8. My father..... ill the last two months. That's why I feel tired and depressed.
(A) was/since (B) was/for
(C) has been/for (D) has been/since

جواب‌های آزمون تافل

◆ پاسخ سوال ۱: گزینه (A). جمله به یک واقعیت کلی اشاره دارد. لذا بایستی از زمان حال و فعل سوم شخص comes متناسب با فاعل مفرد olympic استفاده کرد.

✓ کلمه المپیک از (کلمه) یونانی المپیا می‌آید.

◆ پاسخ سوال ۲: گزینه (B). جمله به عملی در زمان گذشته مشخص اشاره دارد.

✓ در ۳۹۴ سال بعد از میلاد، یک امپراتور مسابقات المپیک را منسوخ نمود.

◆ پاسخ سوال ۳: گزینه (B). با توجه به کلمه ancient جمله به عملی در زمان گذشته مشخص اشاره دارد که در همان زمان گذشته به پایان رسیده است.

✓ مربی فرانسوی، پیر دیکابرتین پیشنهاد داد که مسابقات بازنگری بشوند.

◆ پاسخ سوال ۴: گزینه (A). جمله به عملی که مکرراً طی فواصلی در گذشته تکرار شده اشاره دارد. جهت نکات مهم در خصوص فعل propose و شکل فعل be revived به انتهای فصل ۲ به بخش افعال سابجانکتیو مراجعه فرمایید.

✓ المپیک هر ۴ سال یک‌بار بین ۷۷۰ سال قبل از میلاد و ۳۹۴ سال بعد از میلاد برگزار می‌شد.

نکته مهم: در زمان حال کامل در فعل در زمان گذشته تکرار می‌شود اما نمی‌توان آن را به عنوان یک عمل مستمر یا استمراری در نظر گرفت بلکه عملی است که در طی فواصلی تکرار شده است. در واقع در ذهن داشته باشید که مفهوم تکرار با استمرار کاملاً متفاوت است.

◆ پاسخ سوال ۵: گزینه (C). جمله به تکرار نه استمرار یک فعلی در طی زمان مشخصی در گذشته اشاره دارد.

✓ تا سال ۱۷۹۰ برنج محصول مهمی در جنوب بود.

◆ پاسخ سوال ۶: جمله به یک واقعیت طبیعی اشاره دارد. لذا پاسخ صحیح گزینه (A) است.

✓ ویورها پرندگان اجتماعی هستند که لانه‌های پیچیده‌ای برای اسکان صدها خانواده می‌سازند.

◆ پاسخ سوال ۷: عبارت "اولین بار...." (first) در جمله به اتفاقی در زمان گذشته مشخص اشاره دارد. لذا پاسخ صحیح گزینه (D) است.

✓ دنسر آمریکایی ماریا تالچیف اولین بار در اروپا معروف شد.

◆ پاسخ سوال ۸: گزینه (C). دقت فرمایید عبارت (the last two months) به زمان گذشته اشاره ندارد، بلکه بر طول مدت زمان از گذشته تا حال است که همراه با since نشانگر زمان حال کامل است.

✓ پدرم در طی دو ماه اخیر بیمار بوده است. به همین دلیل احساس خستگی و افسردگی می‌کنم.

افعال مجهول: ساختار و شیوه ترجمه آنها

(The Passive voice)

افعال مجهول در زمانهای مختلف: نمونه 1

❖ the Passive voice

زمان	جمله معلوم	جمله مجهول
حال ساده	He keeps او نگه می‌دارد	He is kept (از) او نگهداری می‌شود
حال استمراری	He is keeping او دارد نگه می‌دارد	He is being kept (از) او دارد نگهداری می‌شود
گذشته ساده	He kept او نگه داشت	He was kept از او نگهداری شد
گذشته استمراری	He was keeping او داشت نگه می‌داشت	He was being kept از او داشت نگهداری می‌شد
حال کامل	He has kept او نگه داشته است	He has been kept از او نگهداری شده است
گذشته کامل	He had kept او نگه داشته بود	He had been kept از او نگهداری شده بود
آینده	He will keep او نگه خواهد داشت	He will be kept از او نگهداری خواهد شد
آینده	He may keep او ممکن است نگه دارد	He may be kept از او ممکن است نگهداری شود

افعال مجهول در زمانهای مختلف: نمونه 2

❖ the Passive voice

زمان	جمله معلوم	جمله مجهول
حال ساده	He sees او می بیند	He is seen او دیده می شود
حال استمراری	He is seeing او دارد می بیند	He is being seen او دارد دیده می شود
گذشته ساده	He saw او دید	He was seen او دیده شد
گذشته استمراری	He was seeing او داشت می دید	He was being seen او داشت دیده می شد
حال کامل	He has seen او دیده است	He has been seen او دیده شده است
گذشته کامل	He had seen او دیده بود	He had been seen او دیده شده بود
آینده	He will see او خواهد دید	He will be seen او دیده خواهد شد
آینده	He may see او ممکن است ببیند	He may be seen او ممکن است دیده شود

مقایسه جملات معلوم و مجهول

● آشنایی با دو فرم Active و Passive یا معلوم و مجهول در زبان انگلیسی، می تواند کمک شایانی در ارتقاء و دقت درک شما بنماید. در زیر به این دو فرم از جملات، همراه با مثال هایی برای درک بهتر اشاره می شود.

● با استفاده از فرم Active به کارهایی که فاعل انجام داده است تاکید می شود.

بطور مثال:

I speak English every day.

من هر روز انگلیسی صحبت می کنم.

I repaired the car.

من ماشین را تعمیر کردم.

● با استفاده از شکل Passive می توان روی کار یا عملی که انجام شده است تاکید کرد.

بطور مثال:

English is spoken here.	در اینجا (به) زبان انگلیسی سخن گفته می شود.
The car was repaired.	این خودرو تعمیر شد.

● کاربرد اصلی فرم Passive این است که، عمل انجام شده اهمیت بیشتری نسبت به ذکر فاعل دارد و این اهمیت در حدی است که نیازی به ذکر فاعل در ابتدای جمله نیست. یعنی یا فاعل ذکر نمی شود یا در انتهای جمله با حرف اضافه **in**, **by**, یا **with** آورده می شود.

بطور مثال:

- *My proposal was approved by university.* پروپوزال من توسط دانشگاه تصویب شد.
- *The car was damaged by a truck.* این خودرو توسط یک کامیون آسیب دید.
- *The shirts had been made in Iran.* آن پیراهن ها در ایران دوخته شده بودند.
- *The forest was destroyed with fire.* جنگل توسط آتش تخریب شد.

■ به نحوه تبدیل جملات معلوم به مجهول دقت نمایید:

حال ساده

❖ Present simple

Active: My mother washes my clothes.	مادرم لباسهایم را می شوید.
Passive: My clothes are washed by my mother.	لباسهایم توسط مادرم شسته می شوند.

حال استمراری

❖ Present continuous

Active: My mother is washing my clothes.	مادرم دارد لباسهایم را می شوید.
Passive: My clothes are being washed by my mother.	لباس هایم توسط مادرم دارند شسته می شوند.

● به نحوه ترجمه بسیار مهم افعال ذیل در حالت مجهول دقت نمایید:

- | | |
|-----------------------------|----------------------------|
| ● I was told the story. | آن داستان به من گفته شد. |
| ● You were told the story. | آن داستان به تو گفته شد. |
| ● We were told the story. | آن داستان به ما گفته شد. |
| ● You were told the story. | آن داستان به شما گفته شد. |
| ● They were told the story. | آن داستان به آنها گفته شد. |

● نکته: دقت بفرمایید در ترجمه جملات حرف تعریف "the" قبل از اسامی عام (اسامی که خاص یا منحصر به فرد نیستند) غالباً به معنی این یا آن ترجمه می‌شود. مثال:

- The boys started to run toward the forest.
- The books are very difficult to understand.

● آن پسرها شروع به دویدن به سمت جنگل کردند. درک این کتاب‌ها بسیار سخت است.

● به نحوه ترجمه جملات مجهول ذیل دقت نمایید:

1. New York is considered the most crowded city in U.S.
2. The pyramids were built nearly 5,000 years ago by the ancient Egyptians.
3. The restaurant was renovated in 2004.
4. The students were informed that the class had been cancelled.
5. First the apples are picked, then they are cleaned, and finally they're packed and shipped to the market.
6. New York is considered the most diverse city in the U.S.
7. Hungarian is seen as one of the world's most difficult languages to learn.

(۱) نیویورک شلوغ‌ترین شهر ایالات متحده شناخته می‌شود. (۲) اهرام حدود ۵۰۰۰ سال پیش توسط مصریان قدیم ساخته شدند. (۳) آن رستوران در سال ۲۰۰۴ نوسازی شد. (۴) آن دانش‌آموزان خبر دار شدند که کلاس کنسل شده بود. (۵) اول این سیب‌ها گلچین می‌شوند، سپس تمیز می‌شوند و بالاخره آنها بسته بندی می‌شوند و به بازار حمل می‌شوند. (۶) نیویورک به عنوان متنوع‌ترین شهر در آمریکا در نظر گرفته می‌شود. (۷) زبان مجارستانی یکی از مشکل‌ترین زبان‌ها برای یادگیری در نظر گرفته می‌شود.

EXERCISE 1:

Complete the sentences with the correct form of the verbs.

1. The first modern Olympic series (hold) in Athens in 1896.
2. The first Olympic Village (build) for the Games in 1932.
3. The Olympic flag (fly) for the first time in 1920.

◆ پاسخ سوال ۱: جمله به عملی در زمان گذشته مشخص (in 1896) اشاره دارد. از طرفی با توجه به مجهول بودن جمله و مفرد بودن عبارت (first modern Olympic series) شکل صحیح گزینه باید به صورت (was held) باشد.
✓ اولین سری المپیک مدرن در آتن در سال ۱۸۹۶ برگزار شد.

◆ پاسخ سوال ۲: در اینجا هم جمله به عملی در زمان گذشته مشخص (in 1932) اشاره دارد. از طرفی با توجه به مجهول بودن جمله، شکل صحیح گزینه (was built) است.

◆ پاسخ سوال ۳: در اینجا نیز جمله به عملی در زمان گذشته مشخص اشاره دارد و با توجه به مجهول بودن جمله، شکل صحیح گزینه (was flown) است.

EXERCISE 2:

1. From 1896 to the present, the Olympic Games every four years.
(A). were held (B). have been held
(C). had been held (D). is being held
2. The new machine three hours before it was broken.
(A). Runs (B). had been running
(C). Was running (D). has run
3. The musician his performance by the time we got the seat.
(A). Had already started (B). already started
(C). Has already started (D). Will have already started
4. The Icelandic language very little over the past 800 years.
(A). is changed (B). has changed
(C). changes are (D). changing so

EXERCISE 3:

1. When archeologists discovered the ruins of the Olympic Stadium, interest in the Games

- (A). was renewed (B). were renewed
(C). they were renewed (D). renewed

✓ وقتی باستان‌شناسان خرابه‌های استادیوم المپیک را کشف کردند، علاقه به مسابقات تجدید(احیاء) شد.

- ✓ (A). تجدید(احیاء) شد (انتخاب درست شکل مجهول مفرد، در زمان گذشته ساده)
× (B). تجدید(احیاء) شدند (عدم تطابق فعل با فاعل)
× (C). آنها تجدید(احیاء) شدند (فاعل اضافی و عدم تطابق)
× (D). تجدید(احیاء) کرد (استفاده نابجا از شکل معلوم فعل)

2. The ancient Olympic Games as amateur contests, but in time became professional.

- (A). begun (B). began
(C). beginning (D). they began

✓ بازی‌های المپیک باستان به‌عنوان مسابقات غیرحرفه‌ای شروع شد، اما درگذر زمان حرفه‌ای شدند.

- × (A). شروع شده (اسم مفعول یا قسمت سوم (۳) زمان نادرست فعل)
✓ (B). شروع شد (انتخاب درست زمان گذشته فعل با توجه به وجود فعل became در ادامه جمله)
× (C). شروع کردن/شدن (جراند (۳) شکل نادرست فعل)
× (D). آنها شروع کردند (فاعل اضافی)

◀ نکته: دقت بفرمایید که فعل (begin) ذاتاً دارای هر دو معنی معلوم و مجهول هست (شروع کردن، شروع شدن).

3. Winning first place in an event was the only glory in the ancient Games because second and third places

- (A). did not recognize (B). are not recognized
(C). was not recognized (D). were not recognized

✓ به دست آوردن جایگاه اول در یک مسابقه تنها افتخار در مسابقات باستانی بود زیرا جایگاه دوم و سوم به رسمیت شناخته نمی‌شدند.

- × (A). به رسمیت نمی‌شناختند (شکل معلوم فعل (۳) نادرست)
× (B). به رسمیت شناخته نمی‌شود (زمان نادرست فعل)
× (C). به رسمیت شناخته نمی‌شد (شکل مفرد فعل (۳) نادرست)
✓ (D). به رسمیت شناخته نمی‌شدند (انتخاب درست زمان گذشته فعل و مطابقت با فاعل)

- 👉 **Lay** یک فعل بی قاعده متعدی و به معنای (قرار دادن، گذاشتن) می باشد.
- 👉 **Lie** یک فعل بی قاعده لازم و به معنای (قرار گرفتن یا قرار داشتن، دراز کشیدن، خوابیدن) می باشد.

Transitive (فعل متعدی)			👉 قرار دادن	Intransitive verb (فعل لازم)			
Lay	Laid	Laid	laying	Lie	Lay	Lain	lying
حال	گذشته	اسم مفعول	جراند	حال	گذشته	اسم مفعول	جراند

- She laid the baby on the bed. (او بچه را روی تخت گذاشت یا قرار داد)
- I was laying the blanket on the floor. (داشتم پتو را روی زمین قرار میدادم یا می گذاشتم)
- He lay on the bed for 2 hours yesterday. (او دیروز دو ساعت روی تخت دراز کشید)
- I usually lie on the sofa. (من معمولاً روی مبل دراز می کشم)

● نکته : جدای از مفهوم خوابیدن ، فعل **Lie** با مفهوم (دروغ گفتن) هم به کار می رود که در این حالت یک فعل با قاعده است و سه قسمت آن به صورت زیر است:

اسم مفعول **Lied** گذشته **Lied** حال **Lie**

- Don't lie to me! (به من دروغ نگو)
- I hate lying. (از دروغ گفتن متنفرم)

◆ پاسخ سوال ۱۱: با توجه به مفهوم جمله در جای خالی اول باید فعل دراز کشیدن و در جای خالی دوم از فعل قرار گرفتن استفاده نمود تا جمله دارای مفهوم منطقی باشد، بنابراین **گزینه C** درست است.
 ✓ سارا روی چمن ها دراز کشیده است در پارکی در سانفرانسیسکو که در شمال لس آنجلس قرار دارد.

◆ پاسخ سوال ۱۲: **گزینه A**. با توجه به مفهوم جمله در جای خالی باید فعلی با معنای قرار گرفتن استفاده نماییم تا جمله دارای مفهوم منطقی باشد، بنابراین گزینه های B و C حذف می شوند. از طرفی فاعل جمله مفرد هست The fulfillment of all your dreams بنابراین فعل به S سوم شخص نیاز دارد و **گزینه A** صحیح است.

◆ نکته: دقت بفرمایید که کلمه dreams فاعل جمله نیست بلکه کلمه fulfillment فاعل است. جهت توضیحات بیشتر در این خصوص حتماً به فصل ۵ قاعده اول مراجعه نمایید.
 ✓ تحقق تمام رویاهای شما در درون شما نهفته است اگر فقط به خود ایمان داشته باشید

■ کاربرد صحیح شکل: فرم (Gerund) و شکل مصدر با (Infinitive):

هر جمله ای نیاز به فاعل دارد (به جز جملات امر و نهی)، بنابراین هیچ‌گاه جمله نمی‌تواند بدون فاعل شروع شود، مگر اینکه فاعل به شکل مصدری (Gerund or Infinitive) باشد، زیرا مصدر، **زمان ندارد** و مانند اسم‌ها می‌تواند مشمول هر سه پهنه زمانی گذشته و حال و آینده بشود. برای درک بیشتر به مثالهای بعدی دقت نمایید:

دو دست در سه مثال ذیل اسم (Reza) محدود به زمان نیست و می‌تواند در هر سه پهنه زمانی بکار رود.

- Reza was my best friend. گذشته رضا بهترین دوست من بود.
- Reza is my best friend. حال رضا بهترین دوست من هست.
- Reza will be my best friend. آینده رضا بهترین دوست من خواهد بود.

● مصدر نیز مانند اسم محدود به زمان نیست و می‌تواند در هر سه پهنه زمانی بکار رود.

- Running was my favorite sport. دویدن ورزش مورد علاقه من بود.
- Running is my favorite sport. دویدن ورزش مورد علاقه من است.
- Running will be my favorite sport. دویدن ورزش مورد علاقه من خواهد بود.

● چون مصدر در واقع شکل اسمی فعل است و می‌تواند در همه پهنه های زمانی استفاده شود، بنابراین می‌تواند بعنوان فاعل جمله بکار رود. پس یک وجه مشترک بین شکل (جراند و مصدر با to) این است که هر دو می‌توانند بعنوان فاعل در جمله استفاده شوند.

- Teaching is a difficult job. تدریس کردن کار سختی است.
- To teach is a difficult job. تدریس کردن کار سختی است.
- Running is my favorite sport. دویدن ورزش مورد علاقه من است.
- To run is my favorite sport. دویدن ورزش مورد علاقه من است.

نکته ۱: نسبت به استفاده همزمان (جراند و مصدر با to) در جملات هوشیار باشید.

نکته ۲: نسبت به استفاده از شکل ساده فعل بعنوان فاعل در جملات هوشیار باشید.

- To teaching is a difficult job. (غلط)
- Teach is a difficult job. (غلط)

معانی دوگانه و کاربرد چند فعل خاص:

1. Stop

■ فعل **Stop** اگر معنی (توقف کردن) بدهد بعدش Infinitive، و اگر معنی (دست کشیدن از کاری) بدهد بعدش Gerund استفاده می شود:

- I **stopped** to call him. من توقف کردم تا با او تماس بگیرم.
- I **stopped** calling him. من از تماس گرفتن با او دست کشیدم.

2. Try

■ فعل **Try** اگر معنی (سعی کردن) بدهد، بعدش Infinitive، و اگر معنی (امتحان کردن، تست کردن) بدهد بعدش Gerund استفاده می شود:

- Try to be quiet when you go to library. (سعی کردن)
- I **tried** taking an aspirin but it didn't help. (امتحان کردن، تست کردن)

✓ سعی کن که آرام باشی وقتی به کتابخانه میروی. من مصرف یک آسپیرین را تست کردم، اما جواب نداد.

3. Mean

■ فعل **Mean** با معنی (منظور داشتن یا قصد داشتن)، بعدش Infinitive، استفاده می شود:

- Sorry, I **didn't mean** to upset you.
- I **meant** to call you before I left but I forgot.

✓ متأسفم من منظورم این نبود(قصدم این نبود) که شما را ناراحت کنم. من قصد داشتم که قبل از رفتن به شما زنگ بزنم اما یادم رفت.

● اما اگر به مفهوم "معنی دادن" باشد، بعدش Gerund یا **that clause** استفاده می شود:

- I'll have to catch the 7 am train, **which means** getting up at 5 am.
- If you take that job in London it **means** that you must travel for 2 hours.

✓ من مجبورم که با قطار ساعت ۷ صبح بروم که این یعنی باید ساعت ۵ صبح بیدار بشوم. اگر تو آن شغل را در لندن انتخاب کنی بدین معنی است که باید هر روز دو ساعت در راه باشی.

On the TOEFL® Test

1. In some countries, octopuses and snails are considered being great delicacies to eat.
A B
C D
2. Seahorses spend much of their time clung with their tails to underwater plants.
A B C
D
3. Men and women in the Peace Corps work with people in developing countries to help them improving their living conditions.
A B
C D
4. Many dyslexics have difficulty to remembering the sequence of letters in a word and in distinguishing right from left.
A B C
D
5. A single-lens reflex camera allows a photographer seeing exactly what the camera will photograph.
A B C
D
6. Viral infections are generally more difficult to treating than bacterial infections.
A B C
D
7. The most widely used material for package consumer goods is cardboard.
A B C D
8. In 1944 biologist Charles Michener devised a system for to classify the approximately 20,000 species of bees.
A B
C D
9. Bathe in mineral water has long been believed to have beneficial effects.
A B C
D

▼ چهارمین فعل حسی: Smell

- 👉 اگر به معنای «**بو دادن یا داشتن**» باشد فعل حسی است و نمی‌تواند به شکل استمراری بکار رود.
- 👉 اگر به معنای «**بو کردن**» باشد فعل ارادی است و می‌تواند استمراری هم بشود.

- It smells like cough medicine. ✓ آن بوی شبیه داروی سرفه می‌دهد
- My mother is smelling the soup. ✓ مادرم در حال بو کردن سوپ است

● تصور کنید که شما مشغول مطالعه هستید و در این حین بوی غذای مادرتان به مشامتان (smells) می‌رسد و در رخداد بعدی چند لحظه بعد شما تحریک می‌شوید و می‌روید غذا را از نزدیک بو (smelling) می‌کنید. در این دورخداد نیز در حالت اول به مشام رسیدن بو غیرارادی و بو کردن غذا به صورت ارادی است.

▼ پنجمین فعل حسی: Sense / Feel

- 👉 اگر فردی، چیزی را احساس یا لمس کند "Feel" استفاده می‌شود.
- 👉 اگر خطر یا اتفاقی را حس کند "Sense" استفاده می‌شود و با این مفهوم استمراری نمی‌شود.

- I was feeling her fingers on my hand.
- These shoes feel uncomfortable.
- I sensed something strange is happening.

✓ من نوازش انگشتانش را روی دستم (داختم) حس می‌کردم. ● احساس می‌کنم که چیزی عجیبی در حال رخ دادن است.

■ تفاوت بین شکل اسمی و فعلی (Sense):

- I can sense that something is wrong. من می‌توانم احساس کنم که یک مشکلی هست.
- Paul has no common sense. پل حس و درک درستی ندارد.

5) افعال اصلی در زبان انگلیسی:

افعال اصلی شامل ده‌ها هزار فعل دیگر ارادی و حرکتی در زبان انگلیسی هستند و شامل هر فعلی است که جزو افعال قبلی نباشد:

Controlled, operated, organized, planned, produced, played, amused, make, programmed, concentrate, amused, build, helped, enjoy

عبارات (Phrases)

● عبارات از ترکیب دو یا چند کلمه تشکیل می‌شوند. به سخنی دیگر، عبارات حداقل از دو کلمه تشکیل شده‌اند و می‌توانند تا چندین کلمه را هم شامل بشوند. بسته به نوع کلماتی که در کنار هم قرار می‌گیرند (اسم، فعل، صفت، قید، کلمات شمارشی، انواع ضمائر، حروف تعریف، حروف ربط، حروف اضافه و ...) عبارات متفاوتی تشکیل می‌شود. عبارات در واقع یکی از اجزاء تشکیل دهنده جملات هستند، ولی نه به لحاظ معنایی و نه به لحاظ گرامری جمله نیستند، چون دارای همه اجزاء یک جمله نیستند. مثلاً یک عبارت فعلی میتواند نقش فعل جمه را بازی کند و یک عبارت اسمی میتواند نقش فاعل یا مفعول را داشته باشد.

Types of Phrases:

انواع عبارات در زبان انگلیسی

- | | |
|------------------------|------------------|
| ● Noun Phrase | عبارات اسمی |
| ● Verb Phrase | عبارات فعلی |
| ● Infinitive Phrase | عبارات مصدری |
| ● Gerund Phrase | عبارات اسم مصدری |
| ● Prepositional Phrase | عبارات حرف اضافه |

عبارات اسمی

❖ Noun Phrases

● عبارات اسمی نقش یک اسم را بازی می‌کنند. یعنی هر نقشی را که اسم داشته باشد، عبارات اسمی هم می‌توانند داشته باشند. در ساختار عبارات اسمی، علاوه بر اسم حتماً یک تعیین کننده (Determiner) (صفت، قید، کلمات شمارشی، ضمائر، حرف تعریف) یا یک عبارت دیگر وجود دارد.

■ شش گروه کلی تعیین کننده ها

❖ Determiners:

- Possessive determiners (e.g., "my", "our",) (ملکی)
- Demonstrative determiners (e.g., "this", "those", ...) (اشاره‌ای)
- Quantifiers (e.g., "many", "some", "two",) (شمارشی)
- Interrogative adjectives (e.g., "which", "what",) (پرسشی)
- Articles ("a", "an", "the") (حروف تعریف)
- Modifiers ("old, heavy, ... back, above, on, inside....") (قیده‌ها و صفت‌ها)

● در ذیل به مثال‌های بیشتر از عبارات اسمی دقت نمایید.

- I know **the back streets**.
- My brother owns **two houses**.
- This man has **a nice smile**, but he has **iron teeth**.
- **Every man of courage** is a man of his word.
- **The best defense** against **the atom bomb** is not to be there when it goes off.

● من خیابان‌ها پشتی را می‌شناسم. ● برادر من دوخانه دارد. ● این مرد لبخند زیبایی دارد، اما سرسخت است. (اصطلاح iron teeth به معنی سرسخت است). ● هر مرد شجاعی، مرد حرفش است. ● بهترین دفاع در برابر بمب اتمی این است که در هنگام انفجار در آنجا نباشید.

گروه چهارم: ترکیبات فیکس فعل با حروف اضافه (حروف اضافه + افعال) ❖ Fixed Verb Phrase

● Account for	دلیل یا مسئول چیزی بودن	● Focus on	تمرکز کردن روی چیزی
● Adjust to	متناسب با چیزی بودن	● Insist on	اصرار کردن بر
● Attach to	متصل شدن به	● Interfere with	تداخل داشتن با
● Attribute to	نسبت دادن به	● Lead to	منجر شدن به
● Believe in	باور داشتن به	● Name for/after	نام‌گذاری کردن بخاطر
● Concentrate on	تمرکز کردن روی چیزی	● Obtain from	بدهست آوردن از
● Confined to	محدود شدن به	● Overcome by	غلبه کردن با
● Consist of	تشکیل شدن از	● Plan on	برنامه داشتن برای
● Contribute to	نقش داشتن در چیزی	● Protect from	حفاظت کردن از
● Covered in/with	پوشیده با/از	● Refer to	اشاره داشتن به
● Deal with	مربوط بودن به/مدیریت کردن	● Rely on	تکیه کردن به
● Depend on	وابسته بودن به	● Result in	منجر شدن به
● Devote to	اختصاص دادن به	● Search for	جستجو کردن برای
● Differ from	متفاوت بودن از	● Withdraw from	عقب کشیدن از
● Engage in	درگیر بودن در		

حروف اضافه مربوط به زمان و مکان ❖ Prepositions of time and place

■ حروف اضافه مربوط به زمان و مکان دارای رفتار خاصی هستند که شیوه کاربرد آنها را ساده می‌کند. یعنی اینکه هم در مبحث زمان و هم در مبحث مکان از مفاهیم جزئی به سمت مفاهیم کلی حرف اضافه مشخص بکار می‌روند. به تقسیم بندی زیر دقت نمایید:

- At ☞ ساعت یا تایم‌های مشخص از شبانه روز
- On ☞ روزهای هفته یا روزهای ماه
- In ☞ ماه و فصل و سال و دهه و قرن و هزاره

قواعد نقطه گذاری (Punctuations) در کلمات قیدی ربطی:

■ کلمات قید-ربطی ذیل دارای هردو نقش قیدی و نقش حرف ربطی هستند. کاربرد این کلمات قید-ربطی در جملات رسمی است، لذا بایستی قواعد نقطه گذاری (Punctuations) آن رعایت شود.

● Nevertheless	با این وجود	● Nonetheless	با این وجود
● Yet	با این وجود، هنوز	● However	با این وجود، به هر حال
● Still	با این وجود، هنوز	● Accordingly	به همین ترتیب، در نتیجه
● as a result	در نتیجه	● Therefore	بنابراین
● Hence	بنابراین، از این رو	● Thus	بنابراین
● Also	همچنین	● likewise	همچنین
● Besides	بعلاوه	● In addition	بعلاوه
● Furthermore	بعلاوه	● Moreover	بعلاوه
● Otherwise	والّا	● Meanwhile	ضمناً، در عین حال
● Consequently	در نتیجه	● Instead	در عوض

نکته: قیود ربطی فوق میتوانند در ابتدا یا وسط یک جمله و یا ربط دهنده دو جمله باشند، که با توجه به جایگاهشان در هر حالت تابع شیوه نقطه گذاری خاص خود هستند. این کلمات به لحاظ مکان قرار گیری در جمله و (Punctuations) در قالب ۴ کلیشه زیر به کار می روند:

- Mick was very tired; **nevertheless**, he went on walking.
- Mick was very tired, he ; **nevertheless**, went on walking.
- Mick was very tired. He ; **nevertheless**, went on walking.
- Mick was very tired, he went on walking ; **nevertheless**.

👉 **قبل** از کلمات قیدی-ربطی سه علامت: (= ; **semicolon**)، نقطه و یا کاما امکان پذیر است و **بعد** از آن هم کاما استفاده می شود، مگر در انتهای جمله که نقطه می آید. مثالهای بیشتر:

- We plan to stay for another year, Peter is leaving now, **however**.
- She always meets her deadlines; **furthermore**, her work is good.
- Swimming here is against the rules; **moreover**, it's dangerous.

تیپ سوم: جملات پیچیده

❖ Complex Sentences

این جملات از ترکیب یک جمله پایه (Main clause) و یک جمله پیرو (Subordinate clause) تشکیل می‌شوند. جمله پیرو میتواند یک کلاز اسمی، کلاز قیدی و یا یک کلاز صفتی باشد.

Main clause

Subordinate clause

Noun clause: کلاز اسمی
 موصول‌ها (that, what, how...)
 Adverb clause: کلاز قیدی
 کلمات قیدی (because, although, if...)
 Adjectiv clause: کلاز صفتی
 موصول‌ها (who, which, where...)

● مثال:

- Michel didn't realize **that** Nancy was here. (کلاز اسمی)
 Main clause noun clause
- The man took a vitamin pill **because** he had a cold. (کلاز قیدی)
 Main clause adverb clause
- Tom walks to his office, **which** is located on Broadway. (کلاز صفتی)
 Main clause adjective clause

توجه: در خصوص سه نوع جمله پیچیده فوق در مبحث کلازها (جمله وارها) در فصل **ششم** به طور کامل توضیحات لازم ارائه خواهد شد.

هرگونه کپی‌برداری و یا عکس‌برداری از صفحات کتاب بدون رضایت مولف، شرعاً حرام و قانوناً جرم محسوب می‌شود.

تطابق فعل با فاعل (Subject and Verb Agreement)

■ فعل به عنوان یکی از ارکان اصلی جمله بایستی از جنبه های مختلفی با فاعل تطابق داشته باشد. اولین هماهنگی بین فعل و فاعل در یک جمله به لحاظ جمع یا مفرد بودن یا (Number) است.

◀ **قانون کلی:** فاعل مفرد نیاز به (فعل و ضمیر مفرد) و فاعل جمع نیاز به (فعل و ضمیر جمع) دارد.

Examples:

- The smallest virus enter cells in order to reproduce themselves.

اگر به دقت به جمله فوق نگاه کنیم متوجه می شویم که بین فعل و فاعل و ضمیر تطابق وجود ندارد و شکل درست جمله بایستی به صورت ذیل باشد:

- The smallest virus enters cells in order to reproduce itself.

✓ کوچکترین ویروس وارد سلول ها می شود تا خودش را تکثیر کند.

نکته 5: بعد از کلمه **(None/ None of)** معمولاً فعل مفرد استفاده می‌شود، اما اگر بعد از آنها اسم جمع بیاید، میتوان فعل جمع هم استفاده نمود. بعبارت دیگر وقتی بعد از (None/of) اسم جمع بیاید، استفاده از فعل مفرد یا جمع اختیاری هست.

- None of the **garbage** was taken away.
- None of the **chairs** were/was comfortable.
- None of the **workers** were/ was injured in the accident.
- None of the **money** has been used.

● هیچ زباله ای برده نشد. ● هیچ یک از صندلی‌ها راحت نبود/ند. ● هیچ یک از کارگران در حادثه آسیب ندید/ند. ● هیچی از پول استفاده نشده بود.

نکته 6: بعد از کلمه **(No)** هم اسم جمع و هم اسم مفرد به کار می‌رود، اما اگر بعدش اسم جمع بیاید، فعل هم به صورت جمع استفاده می‌شود. مثال:

- No animal is as large as an elephant. هیچ حیوانی به بزرگی یک فیل نیست.
- No animals are larger than elephants. هیچ یک از حیوانات بزرگتر از فیل‌ها نیستند.

نکته 7: بعد از عبارت **“more than one”** هم اسم و هم فعل مفرد می‌آید:

- More than one **box** is in the hallway. بیش از یک جعبه در اتاق است.
- More than one **car** was in the race. بیش از یک ماشین در مسابقه بود.

نکته 8: وجود حرف تعریف **the** قبل از برخی صفات آنها را تبدیل به **اسم جمع** کرده و در نتیجه فعل بعد از این عبارات نیز به صورت جمع بکار میرود. مثال:

- | | | | |
|------------------|-------------|-------------------|-------------|
| ● the blind | (نابینایان) | ● the poor | (فقرا) |
| ● the unemployed | (بیکاران) | ● the living | (زندگان) |
| ● the deaf | (ناشنوایان) | ● the hungry | (گرسنگان) |
| ● the sick | (بیماران) | ● the handicapped | (معلولین) |
| ● the rich | (ثروتمندان) | ● the homeless | (بی‌خانمان) |
| ● the dead | (مردگان) | ● the disabled | (معلولین) |

Examples:

- Even the rich don't afford to pay such high taxes.
- The sick are in need of great help.
- The pious are loved by God.
- The industrious are almost always successful.
- The best are the most determined.

● حتی ثروتمندان استطاعت پرداخت چنین مالیات‌های زیادی را ندارند. ● بیماران محتاج کمک زیاد هستند.
● پرهیزگاران مورد عشق خداوند هستند. ● سخت‌کوشان تقریباً همیشه موفق هستند. ● بهترین (افراد)
مصمم‌ترین (افراد) هستند.

Percent or Percentage?

👉 **نکته 9:** قبل از کلمه **Percent** (یا نماد %) یک عدد خاص می‌آید، در حالی که قبل از کلمه **Percentage** از صفات شمارشی استفاده می‌شود.

- (مهم) خود کلمات (Percent & Percentage) هرگز به صورت جمع نمی‌آیند:

Examples:

- Fifteen percent of the control group responded to treatment.
- More than 95 percent of the participants reported positive results.
- A large percentage of the people voted, but only 20 percent of the votes counted.

● پانزده درصد از گروه کنترل به درمان پاسخ دادند.
● بیش از ۹۵ درصد از شرکت‌کنندگان نتایج مثبت گزارش کردند.
● نسبت زیادی از مردم رای دادند، اما تنها ۲۰ درصد آرا شمارش شد.

(جمله واره ها) (Clauses)

■ درک کلاز یا جمله واره در صورتی قابل فهم است که با جمله مقایسه شود. به لحاظ ساختاری و گرامری، هم جمله و هم جمله واره هر دو کامل بوده و دارای فعل و فاعل هستند. اما تفاوت این دو، از جنبه سمتیک یا معنایی هست. عبارت دیگر یک کلاز به لحاظ معنایی کامل نیست و نیاز به یک جمله (کامل کننده معنایی) دارد، اما جمله به لحاظ معنایی کامل است.

👉 برای درک کلاز به مثال های زیر دقت نمایید:

- **Even though** Ted knew the lessons, اگر چه تد درس ها را می دانست،
- **Since** Max seldom talks about himself, چونکه مکس بندرت درباره خودش حرف میزند
- **When** Maria arrives, موقعیکه ماریا میرسد ، ...
- **If** someone speaks to Lily, اگر کسی با لیلی صحبت کند ، ...

توجه: کلمات **آبی رنگ** یا (**Conjunction**) ها در مثالهای فوق به نشانگرهای جمله واره یا کلاز مارکر معروف هستند. کلاز مارکرها همیشه بعنوان شروع کننده یک کلاز بکار میروند. در خصوص کلاز مارکرها در مباحث بعدی به صورت مفصل صحبت خواهیم کرد.

نکته: در هر چهار مثال فوق شنونده احساس می کند کلام کامل نیست و منتظر ارائه توضیحات بیشتری در قالب جملات تکمیل کننده خواهد بود و به راحتی می توانیم به این نتیجه برسیم که: حضور کلاز مارکر ها مانند **Since ، If... در ابتدای هر جمله، آنرا به یک کلاز تبعی تبدیل می کند.**

در ادامه جملات کامل شده را مشاهده بفرمایید:

- Even though Ted knew the material, he failed the exam.
- Since Max seldom talks about himself, I didn't know he liked classical dance.
- When Maria arrives, we will open the gifts.
- If someone speaks to Lily, she turns red.

● در هر کدام از مثالهای فوق:

👉 کلمات آندرلاین، کلاز مارکر (**Conjunction**) هستند.

👉 قسمت های مشکی، کلازهای پیرو یا تبعی (**Subordinate clause**) هستند.

👉 قسمت های آبی رنگ، کلاز مستقل (**Independent clause**) یا جمله کامل هستند.

- Since Max seldom talks about himself, I didn't know he liked classical dance.

(Subordinate clause) کلاز تبعی

(Independent clause) جمله کامل

- If someone speaks to Lily, she turns red.

کلاز تبعی

(جمله کامل)

● اگرچه تد مواد درسی را می‌دانست او در امتحان افتاد. ● چونکه مکس به ندرت در مورد خودش صحبت می‌کند من نمی‌دانستم که او رقص کلاسیک را دوست داشت. ● موقعی که ماریا رسید ما هدیه‌ها را باز خواهیم کرد. ● اگر کسی با لیلی صحبت کند او رنگش قرمز می‌شود.

- در مباحث بعدی ابتدا با انواع شبه جمله‌های تبعی و سپس در ادامه با لیست کامل کلاز مارکرها یا (**Conjunction**) های اسمی، صفتی و قیدی آشنا خواهیم شد.

انواع جمله‌واره (کلاز) های تبعی:

❖ Types of Subordinate clauses

- **Noun clauses** کلازهای اسمی
- **Adjective clauses** کلازهای صفتی
- **Adverb clauses** کلازهای قیدی

■ انواع کلاز مارکرہا اسمی (Noun clause markers) بہ لحاظ تیپ و کاربرد:

۱. کلازہای اسمی کہ با کلمات پرسشی شروع می شوند: (Whom , Who , Which, That)
- (Where, Why, How, What, When, Whose , How many , How much)
۲. کلازہای اسمی کہ با (Whether/If) شروع می شوند.
۳. کلازہای اسمی کہ با (That) شروع می شوند.

(جمله وارہ یا کلازہای اسمی)

❖ 1. Noun clauses

■ کلازہای اسمی بہ اولین زیر مجموعہ از جمله وارہ ہا گفتہ می شوند کہ با مارکرہای اسمی (Noun markers) مانند (If, that, What...) شروع می شوند. بہ مثالہای ذیل توجہ نمایند:

- What he discovered, was important. آنچه او کشف کرد مهم بود.
- People believed what he discovered. مردم باور کردند آنچه را کہ او کشف کرد.
- We know that the world is round. ما می دانیم کہ جهان گرد است.
- I don't know if they believed him. من نمی دانم آیا آنها بہ او باور داشتند (یا نہ).

● همانطوری کہ از اسمشان پیداست کلازہای اسمی جایگزین اسم یا عبارت اسمی در یک جمله هستند، بنابراین کلازہای اسمی می توانند در جایگاہ فاعل (مثلا در جمله اول) یا مفعول (جملات بعدی) باشد. بہ عبارت دیگر می توانند ابتدا یا وسط جمله باشند. برای روشن شدن مطلب بہ توضیحات ذیل دقت نمایند:

۱. در این مثال مشاہدہ می کنید کہ ضمیر (It) بعنوان فاعل جمله است کہ ابتدا توسط عبارت اسمی جایگزین شدہ و در نہایت کلاز اسمی جایگزین (فاعل) جمله شدہ است:

- It was important. آن مهم بود.
فعل ضمیر
- His discovery was important. کشف او مهم بود.
عبارت اسمی
- What he discovered, was important. آنچه او کشف کرد مهم بود.
کلاز اسمی

جمله‌واره یا کلازهای صفتی

❖ 2. Adjective clauses

کلازهای صفتی گروه پر کاربرد دیگر از کلازهای تبعی هستند که با استفاده از کلاز مارکرهایی به نام ضمایر موصولی ساخته می‌شوند. هر کلاز صفتی، با یک **ضمیمه موصولی** شروع می‌شود. دقت بفرمایید که معادل ضمیمه موصولی در زبان فارسی (که) می‌باشد. با این تفاوت که در زبان فارسی ما یک (که) داریم که تمام جملات را بهم متصل می‌کند، اما در زبان انگلیسی با توجه به نوع کلماتی که قبل و بعد از (که) می‌آید انواع مختلفی از ضمیمه موصولی (که) وجود دارد که لیست آنها را در زیر می‌بینید:

لیست ضمایر موصولی (Who, Whom, Which, That, Whose, Where, When)

● هر کدام از ضمایر موصولی فوق فقط بسته به نوع کلمه‌ای که قبل یا بعدش باشد کاربرد اختصاصی دارند:

ضمایر موصولی	Example
Who	She is the woman <u>who works at the bakery</u> . (نقش فاعلی)
Whom	The woman <u>whom we met</u> was the boss. (نقش مفعولی)
Which	The course <u>which interests me</u> is physics. (نقش فاعلی)
Which	The sound <u>which we heard</u> sent a message. (نقش مفعولی)
That	The man <u>that was hired</u> lives in that house. (نقش فاعلی)
That	The smoke <u>that you see</u> is from the hills. (نقش مفعولی)
Whose	He sent a message <u>whose meaning was clear</u> . (موصول ملکی)
Where	That is the valley <u>where the tribe lived</u> . (قید موصولی مکانی)
When	That is the day <u>when we get there</u> . (قید موصولی زمانی)

● او همان زنی است که در نانوائی کار می کند. زنی که او را ملاقات کردیم رئیس بود. رشته ای که مورد علاقه مند من است فیزیک است. صدایی که شنیدیم پیامی فرستاد. مردی که استخدام شد در آن خانه زندگی می کند. دودی که می بینید از آن تپه هاست. او پیامی فرستاد که معنایش روشن بود. آن دره ای است که قبيله در آن زندگی می کردند. آن روز موقعی است که به آنجا می رسم.

تفاوت صفت با کلاز صفتی چیست؟

● همانطوری که نقش صفت توصیف اسم هست نقش کلاز صفتی نیز، توصیف اسم یا گروه اسمی متصل به خود است. صفات **قبل** از اسم می آیند و به صورت محدود اسم را توصیف می کنند، اما کلازهای صفتی **بعد** از اسم می آیند و بسیار گسترده تر می توانند اسامی را توصیف یا در مورد زمان، مکان و فعالیت و... آنها اطلاعات ارائه نمایند. به مثال ذیل دقت نمایید:

- The tall man who is coming is our teacher. مرد قد بلندی که دارد می آید معلم ما هست.
- صفت کلاز صفتی

کارکرد ضمایر موصولی در کلازهای صفتی

● نقش ذاتی کلیه ضمیرها (فاعلی، مفعولی، موصولی، ملکی....) جلوگیری از تکرار اسم هست و همانطوری که مشاهده می کنید ضمیر موصولی نیز بعنوان یک متصل کننده با جلوگیری از تکرار فاعل می تواند دو جمله ساده را به یک جمله (Complex) تبدیل نماید. مثال:

- She is the women. **She** works at the bakery. (دو جمله ساده)
- ↓
- She is the women **who** works at the bakery. (یک جمله کمپلکس)

● او زنی است که در نانوائی کار می کند.

- This is a car. **It** moves fast. (دو جمله ساده)
- ↓
- This is a car **that** moves fast. (یک جمله کمپلکس)

● این ماشینی است که سریع حرکت می کند.

نکته: ضمیر موصولی بعنوان یک متصل کننده یا موصول از تکرار فاعل جلوگیری می کند، لذا نسبت به تکرار اضافی فاعل در تست های تافل **هوشیار** باشید:

- This is a car. **It** moves fast. (Correct)
- This is a car **that** moves fast. (Correct)
- This is a topic **that** it interests me. (Incorrect)

On the TOEFL® Test

1. Pythons live in rugged tropical areas heavy rainfall and forests.
(A). they have (B). that have
(C). where the (D). have
2. In 1880, George Eastman, dry-plate manufacturer, introduced the Kodak camera.
(A). who an American
(B). he was an American
(C). an American
(D). was an American
3. The thyroid gland is located in the neck.
(A). where the hormone thyroxine is produced
(B). where produced is the hormone thyroxine
(C). the hormone thyroxine is produced there
(D). at which is produced the hormone thyroxine
4. Dragonflies feed on a large variety of insects catch in flight.
(A). in which they (B). which they
(C). there are to (D). there are a
5. According to legend, Betsy Ross was the woman the first American stars and stripes flag.
(A). whom she made (B). made
(C). who made (D). and she made
6. Pumpkin seeds protein and iron, are a popular snack.
(A). that (B). provide
(C). which (D). which provide
7. The spinal cord is a long, thick bundle of nerves from the brain to the lower part of the back.
(A). that runs (B). is running
(C). it runs (D). whom it runs

8. George Pullman introduced a dining car its own kitchen in 1868.
- (A). it had (B). that had
(C). that it had (D). which it had
9. Paper is made from cellulose fibers in all cells.
- (A). are (B). which are
(C). they are (D). which they are
10. The pepper plant bears a small, green berry red as it ripens.
- (A). which turns (B). turns
(C). it turns (D). that it turns
11. Quinine,....., once used to cure malaria, was taken from the bark of a South American tree, the cinchona.
- (A). it is a famous drug
(B). is a famous drug
(C). a famous drug
(D). is a famous drug whose
12. The winners received a wreath from the branches of the sacred olive tree.
- (A). made (B). was made
(C). making (D). to make

• جواب‌های آزمون تافل •

◆ توضیحات سوال ۱. مارهای پیتون در نواحی گرمسیر ناهمواری زندگی می‌کنند.....

- × (A). آنها بارش و جنگل‌های گسترده دارند (وجود فاعل اضافی در کلاز صفتی، نبود کلمه موصولی)
- ✓ (B). که بارش و جنگل‌های گسترده دارند
- × (C). جائیکه بارش و جنگل‌های گسترده (کلمه موصولی اشتباه، نبود فعل)
- × (D). بارش و جنگل‌های گسترده دارند (نبود کلمه موصولی)

◀ نکته: صفت heavy هم کلمه بارش هم کلمه جنگل را توصیف می‌کند و با توجه به نوع اسم بعد از خود میتواند معنی سنگین یا گسترده و پرتراکم بدهد، اما به جهت زیبایی نگارش یک معنی برای هر دو انتخاب شده است.

◆ توضیحات سوال ۲. در سال ۱۸۸۰ جورج ایستمن تولید کننده صفحات فیلم ژلاتینی، دوربین کداک را تولید کرد.

- × (A). که یک آمریکایی (نبود فعل در کلاز صفتی)
- × (B). او یک آمریکایی بود (وجود فاعل اضافی در کلاز صفتی، نبود کلمه موصولی)
- ✓ (C). یک آمریکایی (حذف درست ضمیر موصولی و استفاده از کلمه بدلی)
- × (D). بود یک آمریکایی (نبود کلمه موصولی)

◆ توضیحات سوال ۳. غده تیروئید واقع شده در گردن.

- ✓ (A). جائیکه هورمون تیروکسین تولید می‌شود (انتخاب ضمیر موصولی مناسب و کلاز صفتی کامل)
- × (B). جائیکه تولید می‌کرد هست هورمون تیروکسین (استفاده از فعل معلوم، ترتیب نادرست کلمات و)
- × (C). هورمون تیروکسین تولید می‌شود اینجا (نبود ضمیر موصولی، استفاده نابجای there)
- × (D). که در آن تولید می‌شود هورمون تیروکسین (قرار دادن نابجای فعل بعد از ترکیب ضمیر موصولی و حرف اضافه)

◀ نکته: در گزینه D بعد از ترکیب (ضمیر موصولی با حرف اضافه) حتما باید فاعل ذکر شود و سپس فعل بیاید که در این گزینه برعکس است.

◆ توضیحات سوال ۴. سنجاقک‌ها از گروه وسیعی از حشرات تغذیه می‌کنند در پرواز شکار می‌کنند.

- × (A). که در آن آنها (استفاده نابجای از ترکیب ضمیر موصولی و حرف اضافه)
- ✓ (B). که آنها (انتخاب ضمیر موصولی مناسب و کلاز صفتی کامل)
- × (C). وجود دارد که (نبود ضمیر موصولی، استفاده نابجای there are)
- × (D). وجود دارد یک (نبود ضمیر موصولی، استفاده نابجای there are)

◀ نکته: عبارت a large variety یک اصطلاح است و به معنای (گروه گسترده یا وسیع) می‌باشد.

جمله‌واره‌های قیدی

❖ 3. (Adverb clauses)

سومین و آخرین نوع از کلازها، کلازهای قیدی هستند. این نوع کلازها همانطوری که از اسمشان پیداست، با یک مارکر قیدی (Conjunction) بکار می‌روند. به مثالهای ذیل توجه نمایید:

Conjunction
↓
● When Mike arrived , we opened the door.
Adverb clause Independent clause (جمله مستقل)

Conjunction
↓
● We opened the door when Mike arrived.
Independent clause (جمله مستقل) Adverb clause

نکته ۱: همانطور که در مثال‌های فوق ملاحظه می‌فرمایید، بعد از مارکر قیدی حتماً باید فاعل و فعل وجود داشته باشند.

نکته ۲: چنانچه کلاز قیدی شروع کننده جمله باشد بایستی توسط یک کاما (comma) از جمله مستقل جدا شود، ولی اگر (Adverb clause) بعد از (Independent clause) استفاده شود نیازی به کاما نیست.

مارکرهای قیدی معروف

❖ Adverbial Markers

(A). Adverbial Conjunctions (showing time): (مارکرهای نشان دهنده زمان)

● as	وقتی که	● once	زمانی که
● after	بعد از این که	● since	از وقتی که
● by the time	تا وقتی که	● till	تا وقتی که
● until	تا وقتی که	● when	وقتی که
● before	قبل از این که	● whenever	هر موقع که
● as soon as	به محض این که	● While	هنگامی که
● as long as	مادامی که		

- The people danced **while** the music played. در حالیکه موزیک پلی می‌شد مردم می‌رقصیدند.
- We worked **as long as** we could. ما کار می‌کردیم مادامی که ما می‌توانستیم.

(B). Adverbial Conjunctions (showing manner): (نشان دہندہ حالت)

- (as) همانطوری کہ
- (as if / as though) گویی اینکہ، انگار کہ

- Betty looks **as if** something is wrong.
- The wind was cold yesterday **as** it had been all week long.

● بتی طوری بہ نظر میرسہ کہ انگار یک مشکلی ہست. ● باد دیروز سرد بود همانطوری کہ در تمام ہفتہ بود.

(C). Adverbial Conjunctions (showing cause): (نشان دہندہ دلیل)

- as , because , since چون کہ

- The program was canceled **because** the speaker was sick.
- **Since** credit cards are so convenient, people use them.

● برنامه کنسل شد چون کہ گویندہ مریض بود. ● چون کہ کارتہای اعتباری خیلی راحت ہستند، مردم از آنها استفادہ می کنند.

(D). Adverbial Conjunctions (showing opposition): (نشان دہندہ تضاد)

- (although , though , even though) اگرچہ
- (while , whereas) اگرچہ ، درحالی کہ

نکتہ ۱: بہ عنوان یک قاعدہ کلی متوجہ شدیم کہ قبل از کلیہ مارکرہای قیدی کہ در وسط جملہ بکار میروند (یعنی جملہ پیرو ہستند) نبایستی از کاما استفادہ کنیم، اما در خصوص مارکرہای قیدی نشان دہندہ تضاد استثنائاً در صورتی کہ نمایانگر تضاد شدید دو طرف جملہ باشند، قبل از آنها از کاما استفادہ می شود:

- Home prices continue to rise, **even though** sales are falling.
- I am very tall, **whereas** my wife is quite short.
- He doesn't have any money, **although** his parents are wealthy.
- **Although** helium is rare on Earth, it is common in the universe.
- **Even though** Ted knew the material, he failed the exam.

شیوہ تبدیل: کلازهای قیدی به "کلازهای وصفی"

- به نحوه مختصر سازی کلازهای قیدی و تبدیل آن به کلازهای وصفی دقت نمایید:

Example 1:

- After the spaceships landed on Mars, **they** sent back pictures. (بدون حذف)
- After **landing** on Mars, the spaceships sent back pictures. (مرحله اول حذف)
- **Landing** on Mars, the spaceships sent back pictures. (حذف کامل)

✓ بعد از این که سفینه های فضایی روی مشتری فرود آمدند، آنها تصاویری را (به زمین) فرستادند.

👉 دقت بفرمایید که در جمله اصلی، فاعل در کلاز پیرو و پایه یکی می باشد، اگر چه در قالب اسم و ضمیر فاعلی هستند.

Example 2:

- Although the moon rocks were expensive to obtain, **they** provide valuable information. (بدون حذف)
- Although expensive to obtain, the moon rocks provide valuable information. (مرحله اول حذف)
- (**Being**) expensive to obtain, the moon rocks provide valuable information. (حذف کامل)

✓ اگر چه به دست آوردن صخره های ماه هزینه های بالایی دارد، آنها اطلاعات ارزشمندی را فراهم می کنند.

■ مراحل تبدیل کلاز قیدی به کلاز وصفی:

- در مرحله اول: با توجه به اینکه فاعل کلاز پیرو و پایه یکی هستند، فاعل را از کلاز قیدی (پیرو) حذف و آن را جایگزین ضمیر در جمله پایه می نماییم.
- در مرحله دوم: فعل اصلی را به صورت جراند می نویسیم و مشتقات افعال کمکی را حذف می کنیم.
- در مرحله سوم: موصول قیدی را حذف می کنیم.

نکته ۱: در صورتی که فعل اصلی جمله to be باشد، مانند مثال دوم میتوانیم آن را حذف نماییم.

نکته ۲ (مهم): اگر فاعل کلاز پیرو و پایه متفاوت باشد، امکان مختصر سازی وجود ندارد.

اسامی (Nouns)

A. اسامی قابل شمارش : (Countable Nouns)

- تعریف ساده اسامی قابل شمارش (Countable)، اینست که آنها را می توان شمرد.
- اسامی قابل شمارش هم به صورت مفرد و هم به صورت جمع استفاده می شوند.
- اسامی قابل شمارش در حالت جمع (S جمع) می گیرند.
- قبل از اسامی قابل شمارش مفرد، حتماً کلمه شمارشی **one** یا حرف تعریف **a, an** یا **The** می آید:

Singular	Plural	
one idea	two ideas	یک ایده - دو ایده
one shop	many shops	یک مغازه - بسیاری از مغازه ها
a book	some books	یک کتاب - تعدادی کتاب
an egg	lots of eggs	یک تخم مرغ - تعداد زیادی تخم مرغ

◀ نکات مهم در مورد اسامی قابل شمارش (Countable):

(A). برای جمع بستن یک اسم قابل شمارش مفرد، باید به آن -s یا -es اضافه کنیم.

a book	یک کتاب	some books	تعدادی کتاب
a watch	یک ساعت	two watches	دو ساعت

(B). شکل جمع برخی از اسامي، به صورت بي قاعده هستند.

شکل مفرد	شکل جمع	شکل مفرد	شکل جمع
Man	Men مردان	Person	People مردم
Woman	Women زنان	Mouse	Mice موشها
Child	Children بچه‌ها	Diagnosis	Diagnoses تشخيص‌ها
Foot	Feet پا	Criterion	Criteria ملاک‌ها
Tooth	Teeth دندان‌ها	Index	Indices شاخص‌ها

(C). برخی اسامي شکل جمع و مفرد آنها يکي است:

- | | |
|----------------------------------|------------------------------------|
| ● Fish ماهی/ ماهی‌ها | ● Premises قاعده/ها |
| ● Sheep گوسفند/ گوسفند‌ها | ● Means وسیله/ وسایل |
| ● Salmon ماهی آزاد/ ماهیهای آزاد | ● Corps محصول/ محصولات |
| ● Deer گوزن/ گوزن‌ها | ● percent درصد (شکل جمع ندارد) |
| ● Buffalo بوفالو/ها | ● Trousers شلوار (شکل مفرد ندارد) |
| ● Shrimp میگو/ها | ● Mumps عفونت غدد (شکل مفرد ندارد) |
| ● Offspring نسل بعد، فرزندان | ● Jeans شلوارجين (شکل مفرد ندارد) |
| ● Aircraft هواپیما/ها | ● Shorts شورت (شکل مفرد ندارد) |
| ● Species گونه/ها | ● Scissors قیچی (شکل مفرد ندارد) |
| ● Series سری، مجموعه، سریال/ها | ● Glasses عینک (شکل مفرد ندارد) |

- The bicycle is a means of transport.
- The five human senses are our means of communication.
- A series of burglaries has been around the neighbourhood.
- What are your favourite TV series?
- A new species of bird has been discovered recently.
- More than 500 marine species have become extinct in the US.

صفات (Adjective)

صفات در زبان انگلیسی

کاربرد و انواع صفات

■ صفات کلماتی هستند که اسم را توصیف می‌کنند و درجه پذیرند یعنی کمتر یا بیشتر می‌شوند:

- کوچک (صفت) ➔ کوچکتر
- قد بلند (صفت) ➔ قد بلندتر
- کوچکترین ➔ کوچکترین
- قد بلندترین ➔ قد بلندترین

👉 در حالیکه اسم برعکس صفت به هیچ عنوان درجه پذیر نیست:

- علی (اسم) ➔ علی‌تر (نامفهوم)
- کتاب (اسم) ➔ کتاب‌تر (نامفهوم)

■ جایگاه صفت در زبان انگلیسی دقیقاً برعکس فارسی است، یعنی در انگلیسی صفت قبل از اسم می‌آید و یک ترکیب وصفی (اسم + صفت) را تشکیل می‌دهد. مثال:

- Little girl دختر کوچک
- Single man مرد تنها
- Tall boy پسر قد بلند

■ ترتیب قرارگیری و چینش صفات قبل از اسم به صورت زیر است:

● جنس ⇒ ملیت ⇒ رنگ ⇒ سن ⇒ شکل ⇒ اندازه ⇒ کیفیت
به مثال زیر توجه بفرمایید:

● She had a beautiful small round black wooden box.

کیفیت اندازه شکل رنگ جنس

او یک جعبه زیبای چوبی گرد کوچک داشت.

■ در ادامه به بررسی انواع صفات خواهیم پرداخت:

(A) صفات ساده

❖ Absolute Adjectives

● شکل ساده صفات دارای هیچ یک از پیشوندها (More/The most) و یا پسوند های (er/est) نیستند. به مثالهای زیر دقت نمایید:

● Happy	شاد	● Tall	بلند	● wealthy	ثروتمند
● Beautiful	زیبا	● Intelligent	باهوش	● Curious	کنجکاو
● Soft	نرم	● Sharp	تیز	● Nice	خوب

● The violin is a small instrument.
این ویولن یک وسیله کوچک است.
صفت اسم

(B) صفات تفضیلی

❖ Comparative Adjectives

● حالت اول: (E) در شکل تفضیلی اگر صفت تک یا دو سیلابی باشد از ساختار زیر استفاده می‌کنیم.
(سیلاب = هجا یا بخش های تفکیکی بیان صوتی کلمات). به مثالهای زیر دقت نمایید:

(از) **er + (than) + صفت**

● Happier than	شادتر از	● Sharper than	تیزتر از
● Softer than	نرمتر از	● wealthier than	ثروتمندتر از
● Taller than	بلندتر از	● Nicer than	خوبتر از

حروف تعریف (Articles)

حرف تعریف چیست؟

■ به زبان بسیار ساده، حرف تعریف قبل از اسم نشان می‌دهد که آیا اسم شناخته شده است یا خیر؟ کاربرد حروف تعریف در زبان انگلیسی با فارسی تا حدی متفاوت است و همین موضوع باعث شده بسیاری، در استفاده درست از حروف تعریف انگلیسی مشکل داشته باشند. به مثال زیر دقت نمایید:

- There was a girl in the class. The girl was very sharp.

● دختری در کلاس نشسته بود، آن دختر بسیار باهوش بود.

● در جمله اول دختر یک اسم ناشناخته است اما در جمله دوم شناخته شده است (چون در جمله اول معرفی شده است). لذا در جمله اول از حرف تعریف ناشناخته یا نامعین a و در جملات بعدی از حرف تعریف معرفه یا معین The استفاده می‌کنیم. به مثال بعدی توجه فرمایید:

- Once upon a time, there lived a king. The king was very kind. One day, he met an old man. The old man was very poor.

● روزی روزگاری پادشاهی زندگی می‌کرد. آن پادشاه خیلی مهربان بود. یک روز او یک پیرمرد را دید. آن پیرمرد خیلی فقیر بود.

کاربردهای خاص حرف تعریف معین (The)

● **قاعده اول:** قبل از مرجع کلاز یا عبارات از حرف تعریف معین استفاده کنید. مرجع در کلاز یا عبارات اسامی هستند که بلافاصله قبل از ضمیر موصولی یا حرف اضافه قرار می‌گیرند.

- The man whom I told you about lives near here. (کلاز صفتی)
- He didn't like the movie that you suggested. (کلاز صفتی)
- He loved the dessert with chocolate and cherries. (عبارت اضافی)
- The phone on my desk belongs to Ken. (عبارت اضافی)
- The History of the United States. (عبارت اضافی)
- The honesty of this boy is liked by all. (عبارت اضافی)

👉 قسمت‌های آندرلاین شده کلازهای صفتی و یا عبارات اضافی هستند.

👉 اسامی که **آبی رنگ** شده‌اند، مرجع کلاز و عبارات فوق هستند. این اسامی توسط کلازها یا عبارات بعد از خود توصیف می‌شوند، به همین دلیل شناخته می‌شوند و نیاز به حرف تعریف دارند.

- مردی که درباره اش به شما گفتم در همین نزدیکی زندگی می‌کند ● او فیلمی را که شما پیشنهاد کردید دوست نداشت
- او عاشق دسر با شکلات و گیللاس بود ● گوشی روی میز من متعلق به کن است ● تاریخ ایالات متحده آمریکا ● صداقت این پسر مورد پسند همه است.

● **قاعده دوم:** اسم‌ها می‌توانند به یک گروه کلی از موجودات، حیوانات یا اشیاء اشاره داشته باشند که آنها را می‌توانیم به ۳ شکل زیر بیان کنیم:

- (A). The Definite Singular: 👉 **Example:** The lion is a strong animal.
- (B). The Indefinite Singular: 👉 **Example:** A lion is a strong animal.
- (C). The Indefinite Plural: 👉 **Example:** Lions are strong animals.

👉 **نکته:** از قاعده فوق میتوان نتیجه گرفت **اسامی جمع می‌توانند** بدون حرف تعریف بکار بروند.

- (گونه) شیر یک حیوان قدرتمند است. 👉 (مفرد با حرف تعریف معین)
- یک شیر یک حیوان قدرتمند است. 👉 (مفرد با حرف تعریف ناشناخته)
- شیرها حیوانات قدرتمندی هستند. 👉 (جمع بدون حرف تعریف)

جملات شرطی Conditionals

■ جملات شرطی (Conditionals) در واقع جملات کامپلکسی (فصل چهارم) هستند که کلاز پیرو آنها با مارکرهای قیدی مانند "When, as soon as, if" با مفهوم "اگر و شرط" شروع می‌شود. مثال:

- **If you don't hurry**, you will miss the train. اگر عجله نکنید، قطار را از دست می‌دهید.
کلاز پیرو
- It melts **when you heat ice**. وقتی (اگر) یخ را گرم کنید، آب می‌شود.
کلاز پیرو

انواع جملات شرطی: ▼

شرطی نوع صفر

❖ Zero Conditional

جمله حال ساده → جمله حال ساده + If
Main clause If clause

ساختار جملات شرطی نوع صفر: ➔

■ **کاربرد اول:** شرطی نوع صفر برای مواردی استفاده می‌شود که اشاره به حقایق کلی و واقعیت‌های علمی دارد و مربوط به یک شخص یا شی خاص نیست. شرطی نوع صفر زمانی به کار می‌رود که نتیجه همیشه روی دهد. به عنوان مثال، اگر یخ را گرم کنید، همیشه ذوب می‌شود. این موضوع به شرایط

Parallel Structures

■ ساختار موازی (Parallel) در زبان انگلیسی به کلمات یا عباراتی در جمله گفته می شود که دارای ساختار و مقوله یکسان گرامری هستند که این امر باعث روان تر و سلیس تر بودن متن و صحبت های گوینده یا نویسنده می شوند. اجزای جمله شامل کلمات، عبارات و یا جمله وار ه های توانمند ساختاری های موازی یا پارالل داشته باشند. در ادامه به توضیح بیشتر در این خصوص خواهیم پرداخت.

◀ انواع ساختارهای موازی (پارالل):

همان طور که گفته شد کلماتی که در جمله دارای ساختار موازی هستند، میتوانند (اسم، صفت، قید، فعل، مصدر، اسم مصدر، عبارت، کلاز) باشند. در مثالهای ذیل، قسمت های بولد شده کلماتی هستند که دارای ساختار موازی می باشند یا مقوله یکسان گرامری دارند. در مثال اول همه کلمات بولد شده، اسم هستند. در مثال دوم همه کلمات بولد شده صفت هستند. در مثال سوم ساختار موازی را در فعل های بینیم:

- **Nouns:** Vitamin C is destroyed by **heat, storage, or exposure** to air.
- **Adjectives:** The criticism that taking vitamin C supplements is a waste of money is considered to be **inaccurate and unwarranted** by some.
- **Verbs:** There is evidence that vitamin C **prevents** heart disease, **speeds** wound healing, and **helps** gum disease.

Word Formation

کلمات: در چهار شکل اصلی زیر در جملات دیده می‌شوند:

- Verb form: شکل فعلی
- Noun form: شکل اسمی
- Adjective form: شکل صفتی
- Adverb form: شکل قیدی

هر یک از اشکال فوق با استفاده از پیشوندها یا پسوندها ساخته می‌شوند. در ادامه به معرفی پسوندهای مختلف خواهیم پرداخت.

Verb Suffixes

(A) پسوندهای فعل ساز:

Suffix	Examples of verbs	
-ate	☞ complicate, dominate, irritate	پیچیده کردن، تسلط داشتن، تحریک کردن
-en	☞ harden, soften, shorten	سخت شدن، نرم کردن، کوتاه کردن
-ify	☞ beautify, clarify, identify	زیبا کردن، شفاف کردن، شناسایی کردن
-ise/-ize	☞ economise, realize, industrialize	صرفه‌جویی کردن، درک کردن، صنعتی کردن

Word Order

❖ Part A. Inversion

● منظور از اینورژن یا حالت وارونگی، عوض شدن جای فعل با فاعل یا همان شکل سوالی می باشد. به طور عادی در جملات انگلیسی ابتدا فاعل و سپس فعل قرار می گیرد، اما در مواردی خاص یعنی در (چهار حالت ذیل) اینورژن یا جابه جا شدن جایگاه فعل با فاعل در نگارش زبان انگلیسی رایج است:

(A) اینورژن در جملات سؤالی: معمول ترین و متداول ترین شکل وارونگی را در جملات سؤالی می توان دید. در این حالت، جای فعل و فاعل با هم عوض می شوند:

● **Usual word order:** You are using a computer. (جمله خبری)

● **Inversion:** Are You using a computer? (جمله سؤالی)

نکته: دقت نمایید همانطور که مکرراً بیان شد، کلمات پرسشی اگر نقش متصل کننده دو جمله را داشته باشند؛ در این حالت جای فعل و فاعل عوض نمی شود. (توضیحات بیشتر صفحه ۱۶۶ تا ۱۶۸):

● People believed **what he** discovered. مردم آنچه را که او کشف کرد باور کردند.

● Do you know **where he** is going? آیا می دانید او به کجا می رود؟

شیوه کاربرد افعال گزارشی

❖ Reporting Verbs

■ منظور از (Reporting Verbs) گروهی از افعال هستند که مفهوم " گفتن، فرض کردن، انتظار داشتن، فکر کردن، در نظر گرفتن ... " را دارند. این افعال در **کنکور پر کاربرد** هستند. در ذیل لیست معروف ترین آنها را ملاحظه می‌نمایید. در نگارش رسمی، افعال گزارشی، غالباً در جملات مجهول استفاده می‌شوند:

● Say	● Believe	● Think	● Expect
● Suppose	● Find	● Report	● Assume
● Consider	● Know	● Show	● tell
● Estimate	● Prove	● Claim	● Understand

● **نکته:** بعد از شکل مجهول این افعال یکی از **دو حالت** (Infinitive) یا (That clause) به کار می‌رود:

❖ infinitive + فعل گزارشی مجهول + فاعل : (A)

- He **is expected to be** in trouble.
- The shop **is said to be** offering huge discounts.
- The company **is thought to have closed** many years ago.
- He **is believed to be** in Afghanistan.

● انتظار می‌رود که او دچار مشکل باشد. ● گفته می‌شود که این مغازه تخفیف‌های زیادی ارائه می‌دهد. ● تصور می‌شود که این شرکت سال‌ها پیش تعطیل شده است. ● اعتقاد بر این است که او در افغانستان است.

توجه: در مثال سوم به دلیل وجود قید زمان گذشته (many years ago) که نشانگر انجام و اثر عملی از گذشته تا کنون می‌باشد، بعد از فعل گزارشی باید از شکل مصدر کامل (to have closed) استفاده شود.

Example test:

1. I have not heard any news about him. He to be somewhere in Russia.
(A). thought (B). is thought (C). have thought (D). thinks

◆ پاسخ سوال: **گزینه (B)**. با توجه به مفهوم جمله و وجود مصدر بعد از نقطه چین، باید از شکل مجهول استفاده شود. همچنین در نظر داشته باشید که فعل "Think" در حالت مجهول به صورت "تصور می‌شود" ترجمه می‌گردد. ✓ من هیچ خبری از او نشنیده‌ام. تصور می‌شود او جایی در روسیه است.

فصل چهاردهم

سوالات

دوره اول سوالات گرامر دکتری کلیه رشته‌های:**(علوم پایه، علوم انسانی، کشاورزی، هنر، مهندسی و دامپزشکی)**

1. Waitresses and waiters who serve deserve at least a 20 percent tip.
 (A) in a courteous manner (B) courteously
 (C) with courtesy in their manner (D) courteous
2. Famous for his punctuation, typography, and language, Edward Estlin Cummings published his collected poems in 1954.
 (A) new innovations for (B) innovations in
 (C) newly approached (D) innovations newly approached in
3. A perennial is for more than two years, such as trees and shrubs.
 (A) any plant that it continues to grow
 (B) any plant it continuing to grow
 (C) any plant that continues to grow
 (D) any plant continues growth
4. Hummingbirds move their wings so rapid away that they appear to be hanging in the air.
 A B
 C D
5. The idea of a submarine is an old ancient one, dating from as early as the fifteenth century when Drebbel made preliminary drawings.
 A B
 C D
6. a river on land, an ocean current does not flow in a straight line.
 (A) Alike (B) Like
 (C) Likewise (D) Likely
7. A desert receives less than twenty-five of rainfall every day.
 (A) centimeter (B) a centimeter
 (C) centimeters (D) of centimeters

8. It is generally believed that an M.B.A degree is good preparation for a career in
- (A). a business (B). business
(C). businesses (D). one business
9. A few tiles on Skylab were the only equipments that failed to perform well
A B C D
in outer space.
10. In a hot, sunny climate, man acclimatizes by eating less, drinking more liquids, wearing lighter clothing and
- (A). skin changes that darken
(B). his skin is darken
(C). experiencing a darkening of the skin
(D). darkens his skin

◆ پاسخ سوال ۱: گزینه (B) و (A) هر دو صحیح هستند و در نگارش زبان انگلیسی پر کاربرد می باشند. گزینه (C) مشکل اطاله کلام دارد. توضیحات کامل انتهای فصل ۱۲ (Redundancy). چون که بعد از افعال اصلی باید شکل قیدی استفاده شود، لذا گزینه (D) نیز ریجکت است. فصل ۲ (صفحه ۹۰).
✓ پیشخدمت های خانم و پیشخدمت های آقای که مودبانه خدمت می کنند حداقل سزاوار انعام 20 درصدی هستند.

◆ پاسخ سوال ۲: گزینه (B). در گزینه (A) و (D) دو کلمه new و innovations هم معنا و حشو هستند و نباید کنار هم بیایند. توضیحات کامل را در انتهای فصل ۱۲ (Redundancy). در صورت انتخاب گزینه (C) نیز، دو صفت مفعولی approached و collected کنار هم قرار می گیرند که نامفهوم و اشتباه هست.
◀ (سطح تست: راحت تا متوسط)
✓ ادوارد استلین کامینگز که به خاطر نقطه گذاری، تایپوگرافی و زبانش مشهور بود، نوآوری هایش را برای اشعار جمع آوری شده در سال 1954 منتشر کرد.

◆ پاسخ سوال ۳: گزینه (C). همیشه به خاطر داشته باشید که ابتدا گزینه هایی که به لحاظ مفهومی، ترجمه جمله را نامفهوم و غیر منطقی می کنند و یا به لحاظ گرامری دارای اشتباهات مشخص هستند را حذف کنید. گزینه (B) و (A) دارای فاعل اضافی (it) هستند. گزینه D نیز دارای مفهوم و ساختار غلط است، زیرا قبل از فعل (continues) نیاز به ضمیر موصولی that می باشد. (سطح تست: متوسط)
✓ یک گیاه چند ساله به هر گیاهی گفته می شود که بیش از دو سال به رشد خود ادامه دهد، مانند درختان و درختچه ها.

دوره اول سوالات گرامر آزمونهای (Mhle,MSRT,MCHE,TOLIMO,EPT)

Part One. Multiple Choice Test

1. With the passing of time and the encroachment of people, the habitat of gorillas to decrease.
(A). continuing
(B). which continue
(C). continues
(D). that it has continued
2. With neither a naturally aggressive disposition particularly large size, the mimic octopus survives quite easily because of its natural adaptations.
(A). and a
(B). nor a
(C). with its
(D). or its
3. From the inception of his long and distinguished career, Frank Lloyd Wright was concerned with how architecture with topography.
(A). integrating
(B). did he integrate
(C). integrated
(D). to integrate
4. The cheetah is a member of the feline family are being drastically reduced by in-breeding and lion predation.
(A). whose numbers
(B). those numbers
(C). that its numbers
(D). its numbers that
5. he worked with the deaf for many years and patented many devices to help them, Alexander Graham Bell will forever be remembered for inventing the telephone.
(A). Even though
(B). In spite of
(C). Despite
(D). Nevertheless

6. Economics is known as an inexact science because it relies heavily on variables and subjective judgments.
- (A). it (B). which
(C). that it (D). is what
7. Gifted though he was by remarkable natural musical talent, to have had little knack for the necessities of social life at court.
- (A). Mozart, who seemed
(B). Mozart seemed
(C). it was Mozart that seeming
(D). Mozart, seeming
8. found in forests can possess deadly toxicity is an element of folk knowledge that has not been passed down to today's general public.
- (A). Those certain mushrooms
(B). Even though certain mushrooms
(C). Despite it, certain are the mushrooms
(D). That certain mushrooms
9. Most comets have two kinds of tails, one made up of dust, made up of electrically charged particles called plasma.
- (A). one another
(B). each other
(C). the other
(D). other ones
10. Schizophrenia, a behavioral disorder typified by a fundamental break with reality, by genetic predisposition, stress ,drugs, or infections.
- (A). may be triggered
(B). may trigger
(C). may be triggering
(D). may have triggered

◆ پاسخ سوال ۱: گزینه (C). با توجه به اینکه در صورت سوال فعل وجود ندارد در جای خالی فقط بایستی فعل داشته باشیم. همچنین به تطابق فاعل مفرد (the habitat) با فعل سوم شخص مفرد (continues) دقت نمایید. توضیحات کامل (فصل ۲ و ۵).

✓ با گذشت زمان و تهاجم انسان، زیستگاه گوریل‌ها همچنان کاهش می‌یابد. (سطح تست: راحت تا متوسط)

◆ پاسخ سوال ۲: گزینه (B). به کاربرد حرف ربط دو کلمه ایی (neither . . . nor) و ساختارهای موازی دقت بفرمایید. توضیحات کامل فصل ۱۱.

✓ اختاپوس مقلد نه به طور طبیعی ظاهر تهاجمی دارد و نه اندازه بزرگی دارد. (بلکه) به دلیل سازگاری‌های طبیعی خود به راحتی زنده می‌ماند. (سطح تست: راحت)

◆ پاسخ سوال ۳: گزینه (D). به کاربرد (Infinitive) بعد از کلمات پرسشی در (صفحه ۷۴) دقت نمایید.

✓ فرانک لوید رایب از آغاز کار طولانی و برجسته خود، به چگونگی ادغام معماری با توپوگرافی توجه داشت. (سطح تست: راحت)

◆ پاسخ سوال ۴: گزینه (A). با توجه به اینکه دو طرف جای خالی "the feline family ... numbers" اسم قرار گرفته است، بهترین گزینه انتخابی، ضمیر موصولی ملکی یعنی whose می‌باشد. توضیحات بیشتر در فصل ۶ بخش ضمائر موصولی (whose). (سطح تست: متوسط)

✓ یوزپلنگ عضوی از خانواده گربه سانان است که تعداد آنها به دلیل تولید مثل درون خانوادگی و شکار شیرها به شدت در حال کاهش است.

◆ پاسخ سوال ۵: با توجه به ترجمه، گزینه (A) درست است. دقت نمایید که بعد از (Although) جمله می‌آید، اما بعد از حروف اضافه (Despite) یا (In spite of) عبارت می‌آید (صفحه ۱۰۷ و ۲۰۷). همچنین کلمه (Nevertheless) نیاز به پانکچوئیشن (نقطه‌گذاری خاص) دارد (انتهای فصل ۴). (سطح تست: راحت تا متوسط)

✓ اگر چه الکساندر گراهام بل سال‌ها با ناشنوایان کار می‌کرد و دستگاه‌های بسیاری را برای کمک به آنها ثبت اختراع کرد، (اما) برای همیشه به خاطر اختراع تلفن به یاد آورده می‌شود.

◆ پاسخ سوال ۶: گزینه (D). جمله دارای فاعل هست، لذا گزینه (A) جمله دارای فاعل اضافی می‌کند. همچنین با توجه به اینکه جمله شامل کلاز پایه و کلاز پیرو هست، لذا در قسمت پایه نمی‌تواند کلاز صفتی وجود داشته باشد، زیرا مفهوم جمله را به هم می‌ریزند، بنابراین سایر گزینه‌ها رییجت می‌شوند. دقت بفرمایید که because بعنوان نشانگر کلاز پیرو است. (سطح تست: متوسط)

✓ اقتصاد چیزی است که به عنوان یک علم غیر دقیق شناخته می‌شود، زیرا به شدت بر متغیرها و قضاوت‌های ذهنی متکی است.

آزمون زبان عمومی دکتری وزارت بهداشت ۱۴۰۰ (نوبت اول)

1. The guideline asserts that it is now necessary that every medical student a mask in the clinical setting.
(A). to wear
(B). wears
(C). is wearing
(D). wear
2. "If I you, I would totally remove sugar from my diet," the doctor said to the diabetic patient.
(A). will be
(B). were
(C). had been
(D). have been
3. The newly founded company was doing badly;, it closed down.
(A). owing to
(B). since
(C). because of
(D). consequently
4. Recent research findings indicate that the COVID-19 is more deadly in people with obesity they're young.
(A). therefore
(B). even if
(C). because of
(D). due to
5. The young scientist in New Delhi, but her husband has just been appointed there; so she doesn't have any other choice.
(A). had better not to live
(B). would rather not live
(C). shouldn't have lived
(D). mustn't live

6. A known Iranian company to have been making a new brand of the Covid-19 vaccine which can bring about long-lasting immunity.
- (A). says
 - (A). is saying
 - (B). is said
 - (C). has said
7. The World Health Organization reports that more than one billion vaccine doses globally over the past few months.
- (A). have been administered
 - (B). are being administered
 - (C). have administered
 - (D). are administered
8. According to the academic calendar of the university, the semester next month.
- (A). will ending
 - (B). end
 - (C). ending
 - (D). ends
9. If penicillin had not been discovered, many soldiers in the First World War
- (A). have died
 - (B). were died
 - (C). would have died
 - (D). who would die
10. Doing an experiment in the lab,
- (A). the microscope was broken by the technician
 - (B). the technician broke his microscope
 - (C). the technician's microscope broke
 - (D). the microscope is being broken

◆ پاسخ سوال ۱: گزینه (D). توضیحات کامل را در فصل ۲، بخش (Subjunctive Verbs) ملاحظه نمایید. دقت بفرمایید بعد از افعال و صفات Subjunctive شکل اولیه و حال و بدون اضافات فعل به کار می‌رود.

✓ این دستورالعمل تاکید می‌کند که اکنون لازم است هر دانشجوی پزشکی در محیط بالینی ماسک بزند. (سطح تست: راحت).

◆ پاسخ سوال ۲: گزینه (B). توضیحات کامل را در فصل ۱۰، (شرطی نوع دوم با فعل to be) ملاحظه نمایید.

✓ دکتر خطاب به بیمار دیابتی گفت: «اگر من جای شما بودم، شکر را کاملاً از رژیم حذف می‌کردم». (سطح تست: راحت تا متوسط).

◆ پاسخ سوال ۳: گزینه (D). با توجه به ترجمه و قواعد نقطه گذاری (Punctuations) مربوط به کلمه قیدی-ربطی consequently، دو طرف نقطه چین باید از کاما یا سمیکالن استفاده شود. (انتهای فصل ۴). کلمات owing to و because of با معنی "به دلیل" هر دو حرف اضافه هستند و بعد آنها نباید جمله به کار رود و هنگام استفاده در وسط جمله، قبل از آنها نیازی به کاما نیست. کلمه since با معنی "چونکه" و از وقتی که "کلز مارکر قیدی است (صفحه ۲۰۶) و هنگامیکه در وسط جمله بیاید، قبل از آن نیازی به کاما نیست.

👉 کلز مارکر: یک کلز پایه و یک پیرو را به هم متصل نموده و یک جمله کامپلکس تشکیل می‌دهند. فصل ۶

👉 کلمات قیدی-ربطی: دو جمله ساده را به هم متصل نموده و یک جمله مرکب تشکیل می‌دهند. انتهای فصل ۴

✓ شرکت تازه تاسیس بد کار می‌کرد. در نتیجه تعطیل شد. (سطح تست: راحت تا متوسط).

◆ پاسخ سوال ۴: گزینه (B). با توجه به ترجمه جمله و اینکه بعد از نقطه چین جمله داریم، بنابراین گزینه C و D که هر دو حروف اضافه هستند، ریجکت می‌شوند. توضیحات (ابتدای فصل ۳، حروف اضافه فیکس). کلمه قیدی ربطی therefore نیز در گزینه A مانند کلمه consequently در سوال قبل نیاز به نقطه گذاری (Punctuations) خاص خود دارد. (انتهای فصل ۴). (سطح تست: متوسط).

◆ کلمات due to به معنی "ناشی از" و because of با معنی "به دلیل" هر دو حرف اضافه هستند و بعد آنها جمله به کار نمی‌رود، بلکه اسم یا گروه اسمی باید استفاده شود.

✓ یافته‌های تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که کووید-۱۹ در افراد چاق حتی اگر جوان باشند کشنده تر است.

◆ پاسخ سوال ۵: گزینه (B). توضیحات کامل، در فصل (۲)، بخش قالب‌های اصلی فعل، (کاربرد شکل ساده).

✓ دانشمند جوان ترجیح می‌دهد در دهلی نو زندگی نکند، اما شوهرش به تازگی در آنجا منصوب شده است. بنابراین او انتخاب دیگری ندارد. (سطح تست: راحت).